

راه توده

نشریه ماهیانه حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۲۱ بهمن ۱۳۶۱ مطابق
۱۰ فوریه ۱۹۸۲
سال دوم، شماره ۷۹
پهنا: ۴۰ - عرض: ۲۰

اعلامیه مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می شود، که خفتن و ترور بر میهن ما سایه افکنده، ارگانهای سرکوب گر یک تارمیدان اند، قلم ها را شکسته و زبانها را بسته اند، دهها هزار توده ای، وفدائی و مجاهد مبارزین واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سیاهچالهای رژیم تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار دارند و روزی نیست که احکام چاپرانه زندانهای دراز مدت و یا اعدام میهن دوستان اعلام نگردد.

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی به هنگامی برگزار می شود، که طبقه کارگر از ابتدائی ترین حقوق محروم است، کارگران گروه - گروه از کارخانه ها اخراج می شوند، بیکاری فراگیر میلیونها زحمتکش، زنان و فرزندان آنان را با گرسنگی و در به دری و فقر و مسکنت بیسابقه روبرو ساخته است، دهقانان کم زمین و بی زمین از هستی ساقط شده چاره ای - جسز مهاجرت به شهرهای بزرگ ندارند، دولت به جای اصلاحات راضی رادیکال بزرگ مالکان را دوباره بر جان و مال و ناموس باقیه در صفحه ۲

کارنامه سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی در پنجمین سالگرد انقلاب بهمن

دستاوردهای انقلاب در عرصه های استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پایمال حاکمیت روبرو تافته از خلق

پنجمین سالگرد انقلاب بهمن در شرایطی فرا می رسد، که دستاورد های ارزشمند این انقلاب شکوهمند ملی و مردمی، در راه دستیابی به آماج های اصیل آن، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، پیش از پیش پایمال سلطه دم آفرزون ارتجاع می شود.

ج ۱۰ در عرصه تأمین استقلال واقعی میهن ما، راه رفته را به سرعت بازی می گردد.

کشور ما به قیمت تاراج ثروت ملی نفت و غارت پترو دلار بار دیگر به بازار فروش بیست میلیارد دلاری کالا های امپریالیستی تبدیل شده است. فعالیت اقتصادی در کشور ما به طور عمده در خدمت باز تولید نظام اقتصادی ستمشاهی قرار گرفته است، نظام اقتصادی که به اعتراف سران ج ۱۰ همچنان تا ۹۰٪ وابسته به امپریالیسم جهانی است.

سمت گیری حاکمیت ج ۱۰ در راستای ترمیم و نوسازی و تشدید این وابستگی است. بزرگ ترین پروژه های تضادی در دست اجرای بخش دولتی، پتروشیمی ایران و ژاپن، فولاد سازی مبارکه ایران - ایتالیا، خود رسازی ایران - تالیوت انگلیسی و مجتمع فولاد سازی اهواز با مشارکت و " کمک " انحصارات چند ملیتی بین المللی است. در آخرین روزهای پنجمین سال انقلاب طرح چند میلیارد دلاری ساختمان نیروگاه اتمی باقیه در صفحه ۶

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره اقدامات توطئه گرانه و سرکوبگرانه علیه سازمان فدائیان خلق ایران

صفحه ۹

حکم اعدام برای براندازان رژیم ستم شاهی

بیدادگاه های نظامی ج.ا. فاقد هرگونه اعتبار حقوقی است

و برخی از فعالین حزب توده ایران را به جوشه های مرگ می سپارند تا شقاوت بی بدیل خویش را نزد جهانیان و حد چاکرمنشی خود را به امپریالیسم آمریکا بر مسند ثبوت نشانند. باقیه در صفحه ۴

روند بازسازی پیمان خاورگروستو و سرکوب خلق کرد

حاکم کردن سکوت کورستان در کردستان، مسئله ملی حل نخواهد شد

امپریالیسم آمریکا برای تأمین سیادت خود به تشدید جنگ اعلام نشده علیه ملی خاورمیانه دست می زند! باقیه در صفحه ۲

مردم مترقی جهان

صدور احکام علیه افسران میهن دوست و توده ای های دربند را محکوم می کنند

سردمداران ج ۱۰ در آستانه پنجمین سالگرد انقلاب مردم ایران در تدارک قربانیی کردی ۱۳ افسر میهن دوست و برخی از فعالین حزب توده ایران اند. به گزارش خیرگزاری ها، احکام اعدام این مدافعان مردم، تأیید شده است. یک سال پیش، در همین ایام سیا پروردگان

ساواچائی گنم، و با نام ج ۱۰ سرکوب خونین حزب توده ایران را که پیش شرط باز برقراری روابط نوبین با امپریالیسم بوده، آغاز کردند. در این یک سال، توده ای های دربند، تحت سبعا نه ترسز شکنجه های جسمی و روانی، سنتی و مدرن قرار باقیه در صفحه ۲

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

بقیه از صفحه ۱

روستائیان مسلط می‌سازد، زمین‌های تقسیم شده بین دهقانان را از صاحبان اصلی پس گرفته و به بزرگان مالکان تحویل می‌دهند، زندانها پر از دهقانان خواهان پایان دادن به سلطه آمریایان است، دهها هزار کارمند و دانشجوی در گراندهای ادارات دولتی و دانشگاهها اخراج شده‌اند، کسبه و افزارمندان تحت فشار روز افزون قرار دارند.

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می‌شود، که سران جمهوری اسلامی کلان سرمایه‌داران وابسته را به بازگشت دعوت می‌کنند و نظام سرمایه‌داری وابسته را با تمام پیوندهای مخرب آن احیا می‌نمایند، سیاست "دروازه‌های باز" را در پیش گرفته و با افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی، صنایع و کشتاورزی را دچار بحران ساخته و به سوی ورشکستگی سوق می‌دهند، اقتصاد ایران به عرصه تاخت و تاز انحصارهای امپریالیستی تبدیل شده و خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل، کره جنوبی و ایالات متحده آمریکا به اشکال مختلف ادامه دارد.

حکام جمهوری اسلامی، که بعد از پیروزی انقلاب وعده احقاق حقوق محرومین را می‌دادند

و از استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی سخن می‌گفتند و استقرار نظام "قسط اسلامی" را وظیفه عاجل نخستین دوره مجلس شورای اسلامی می‌شمردند و به توده‌های محروم وعده می‌دادند چه ارمغانی برای زحمتکشسان آورده‌اند؟ در حالی که فزونی‌گیری بی‌خایمانی، تورم گرانی و احتکار، ظلم و جور استبدادی، فساد و رشوه خواری و دزدی بیت‌المال گسترش می‌یابد شش کلان سرمایه‌دار بازاری، که رهبران جمهوری اسلامی آنها را "ستون انقلاب" می‌نامند، تنها کسانی هستند که از انقلاب بهره می‌برند.

هیئت حاکمه، که زمانی امپریالیسم تجار و زکات آمریکا را دشمن شماره یک مردم ایران معرفی می‌کرد، اینک با چرخش به راست به تبعیت از سیاست کمونیسم ستیزی دولت رونالد ریگان، عملاً در جبهه واحدی شوروی ستیزی را دنبال می‌کند و موجبات تیرگی روابط بین دو کشور همسایه را فراهم آورده است.

دولت و مجلس تحت کنترل حزب حاکم - حزب جمهوری اسلامی بزرگترین مبلغین ادامه جنگ خائنانه و بی‌حاصلند، که تا کنون صدها هزار فرزندان کارگران و دهقانان را به نابودی کشیده و یا علیل و مجروح تحویل جامعه داده

است. رهبران جمهوری اسلامی که هم‌مدت کرسی‌های نمایندگانی واقعی مردم را در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در اختیار کلان سرمایه‌داران و مالکان بزرگ و صاحبان استغلات قرار دهند، مبتکرین اصلی شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" اند. زیرا ادامه جنگ هم منبع سود سرشار برای صاحبان ثروت و هم منبع درآمد نامشروع برای گردانندگان اهرمهای مملکتی از طریق زدن و بندهای پشت پرده با قاچاقچیان و انصارهای بین‌المللی فروشندگان اسلحه‌هاست.

خواهران و برادران!

رژیم پس از غیر قانونی کردن فعالیت همه احزاب ملی و مترقی و ضد امپریالیستی و از آنجمله حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمانهای انقلابی، خود را آماده می‌سازد تا با حربه ارباب و تهدید، با سوء استفاده از اعتقادات پاک مذهبی و با توسل به تقلب و تعویض سند و قهقاری انتخاباتی به فهرست تحمیلی و انتصابی رنگ انتخابی بزند.

با در نظر گرفتن مجموعه این عوامل، کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مشترکاً به این نتیجه رسیدند، که برای اعتراض به ترور و اختناق حاکم بر کشور و پایمال شدن ابتدائی ترین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک از زحمتکشان دعوت کنند به فهرست نامزدهای ارائه شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج ۱۰ و سازمانهای مربوط به آنها رأی مخالف دهند.

دادن رأی مخالف به فهرست نامزدهای معرفی شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج ۱۰ به معنای نفی سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی، به معنای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و جنگ برادر کشی در کردستان، به معنای خواست آزادی دهها هزار انسان بی‌گناه در بند، به معنای پایان دادن به محاکمات فرمایشی و اعدام بی‌همن دوستان، به معنای طرد عمل امپریالیسم و ارتجاع از حاکمیت و بالاخره رد از پیش قوانین ارتجاعی و ضد مردمی است، که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در صند تدوین و تکمیل آند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بهمن ماه ۱۳۶۲

امپریالیسم آمریکا برای تأمین سیادت خود به تشدید جنگ اعلام نشده علیه ملل خاورمیانه دست می‌زند!

اوضاع خاورمیانه، خاور نزدیک و خلیج فارس را اثر سیاست ماجراجویانه و تجارکارانه ایالات متحده آمریکا روز به روز وخیم تر می‌گردد. امپریالیسم آمریکا که می‌کوشد سیادت خود را بر جهان امین کند و از موضع قدرت اراده خوش را به یگر خلقها تحمیل کند، عملاً در جنگ اعلام نشده‌ای بر علیه ملل این منطقه دست به کار شده است.

استقرار ناوگان دریایی ایالات متحده در آب‌های اقیانوس هند و ورود گروهی از آنها به لیبی، فارس، تشکیل نیروهای واکنش سریع و جاد ستاد فرماندهی مرکزی، و تقویت ناوهای واپیمای برانترپرایز و نیوجرسی، اعزام ۲۰۰۰ تنگدار دریایی به این منطقه، مانورهای شورای همکاری خلیج، گسترش و نوسازی تأسیسات و یگاه‌های نظامی خود در مصر، کنیا، سودان، و مالی، عمان، ایجاد پایگاه‌های دریایی الکترو-

نیکی هدایت موشک در پاکستان، تأسیس پایگاه‌های جدید در ترکیه، استقرار موشک‌های پرشینگ در عربستان، ترکیه و پاکستان تنها گوشه‌ای از این اقدامات گسترده است. تفنگداران دریایی آمریکا خاک لبنان را لگدمال می‌کنند. روزنامه‌های السفير چاپ بیروت می‌نویسد:

"پذیرفتن واقعیت موجود و عقب نشینی از لبنان، از دیدگاه آمریکا یک شکست نظامی و سیاسی محسوب می‌شود و تأثیر عمیقی بر اوضاع منطقه و اهداف آمریکا در منطقه خواهد گذاشت از این رو آمریکا چاره‌ای جز این نمی‌بیند که با مشورت متحدان خود دست به یک جنگ همه جانبه در منطقه بزند تا زمام امور را یک بار دیگر به دست گیرد."

روزنامه سوری "الثوره" نیز با اشاره به آماده باش کامل کشتی‌های ناوگان ششم آمریکا بقیه در صفحه ۲۰

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

مردم مترقی جهان صدور احکام علیه افسران میهن دوست و توده‌ای‌های دربند را محکوم می‌کنند

بقیه از صفحه ۱۱

داشتند . حاصل این جنایات خونبار ، چندین شهید ، ویرانی‌های عصبی و جسمی (تا حد هج دست و پا و حدوث سکنه مغزی و قلبی) ، و در پی آن ، شوهای تلویزیونی و سرانجام برپاآسی پیدادگاه‌های نظامی بود .

احزاب ، سازمانها و محافل کارگری مترقی و دکراتیك جهان ، از همان ابتدای پیرش به حزب توده* ایران ، همبستگی پرشور و بی دریغ و خشم و نفرت ، و اعتراض خود را با توده‌ای‌های دربند ، همراه با خواست‌های به حق ملاقات با زندانیان ، بررسی چگونگی کشف " اقراربر " و شرکت در دادگاه‌های آنان ابراز داشتند . همانگونه که انتظار می‌رفت این درخواست‌ها بی‌پاسخ ماند . با این حال ، نیروهای انسان دوست و آزادی - خواه جهان همچنان بر اعتراض و خواستهای خود پای می‌فشرند . به گوشه‌ای از آنها توجه کنید :

هندوستان

کارگران جهان از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

سی و دومین کنگره اتحادیه‌های سراسری کارگران هندوستان از تاریخ پانزده تا بیستم دسامبر ۸۳ در شهر بنگلور برگزار شد . بیش از سه هزار نفر از نمایندگان کارگران از سراسر هندوستان ، هیأت‌های نمایندگی هجده کشور از جمله کشورهای سوسیالیستی ، فدراسیون جهانی اتحادیه کارگری ، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری عرب ، سازمان جهانی کار ، و ۰۰۰ در این کنگره شرکت داشتند .

" ایند وچیت گوپتا " ، دبیر کل اتحادیه سراسری کارگران هندوستان ، گزارش کار اتحادیه را پس از سخنرانی افتتاحیه ایراهیم ذکر یا ، دبیر کل اتحادیه‌های جهانی کارگران ، خوانند . رفیق گوپتا در گزارش خود ، پس از بررسی سیاست‌های تجا و زکارانه امپریالیسم آمریکا که صلح جهانی و استقلال کشورهای در حال رشد را نشانه گرفته است گفت :

" افزایش خطر جنگ و تجاوزات امپریالیستی باعث گسترش جنبش دکراتیك صلح ، به خاطر امنیت و استقلال ملی گردیده است که سردمداران آمریکا نه تنها در خانه خود بلکه در اقصی نقاط جهان با آن رویزو هستند ."

رفیق گوپتا در پایان سخنان خود در اعلام همبستگی با سایر کارگران جهان افزود :

" ما جنایاتی را که توسط رژیم‌های ارتجاعی در آفریقای جنوبی ، شیلی ، ترکیه ، پاکستان و ایران علیه مردم و کارگرانی که به خاطر حقوق دکراتیك و اتحادیه‌های کارگری خویش و به خاطر آزادی زندانیان سیاسی مبارزه می‌کنند ، اعمال می‌گردد محکوم می‌کنیم و همبستگی خود را با آنان اعلام

می‌داریم .

هواداران حزب توده* ایران در هندوستان غرفه‌ای در جنب کنگره برپا داشته و فعالان صدای حق طلبانه کارگران و زحمتکشان ایران و جنایاتی که توسط حکومت جمهوری اسلامی علیه حزب توده* ایران و انقلاب مردم ایران اعمال می‌- بقیه در صفحه ۱۳



نمایندگان اتحادیه‌های کارگری کشورهای مختلف هنگام بازدید از غرفه* حزب توده* ایران در هندوستان به ترتیب از راست به چپ : ایستاده : خبرنگار مجله* لینک - مالزیا - کویا - ویتنام - مغولستان - بنگلادش - نشسته : فیلیپین - کویا - بنگلادش .



نظارات با شکوه اتحادیه* سراسری کارگران هندوستان پس از برگزاری ۳۲مین کنگره خود در همبستگی با حزب توده* ایران

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

حکم اعدام برای براندازان رژیم ستم شاهی

بیدادگاه‌های نظامی ج.ا. فاقد هرگونه اعتبار حقوقی است

بقیه از صفحه ۱

سردمداران ج.ا. و عوامل ارتجاع جهانی ، کسانی که مرگ به کسب و کار و رسالتشان بسدل شده است، زندگی آزادی خواهانی را به پای تأمین منافع امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قربانی می‌کنند که خود مستقیماً در براندازی رژیم طاغوت شرکت فعال داشتند، حرکت مبارزه جوانان علیه فرماندهان سرسپرده ارتش را در پادگان‌ها سازمان دادند و آنجا که مسئله انتخاب زندگی خود و جان مردمی که برای کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بپا خاسته بودند، به میان می‌آمد، یک لحظه هم در این گزینش جسورانه، تردید به خود راه ندادند و به جای صدور فرمان شلیک به سوی مردم بی‌تیر-اندازی به آنان میدان دادن به تظاهرات توده‌های مردم و سرپیچی از اوامر فرماندهان خود را برگزیدند. این مردم قربان خیانت پیشه، هستی کسانی را به غارت می‌برند که پس از انقلاب در راه نگهداری، زرقا میخشی و گسترش آن، با تمام توان، خلاقیت، ابتکار و مهارت خود رزمیدند و به بهای دامن زدن به کینه طبقاتی دشمنان مردم و آرم‌نهای انقلاب، در این نبرد پیش رفتند. سردمداران ج.ا. با این جنایت ضد انسانی، تنها مردم زحمتکش میهن ما را از یگیر-توین پشتیبانان خود محروم نمی‌سازند، بلکه انقلاب را بیش از پیش به لبه پرتگاه سقوط نهایی می-کشانند. زیرا مرگ اینان، تنها به معنای محو فیزیکی چند رزمنده، استقلال طلب نیست؛ مرگ استقلال میهن ما نیز هست. تنها به معنای اعدام ۱۳ آزادی خواه مبارز نیست؛ اعدام آزادی نیز هست. تنها به معنای قربانی کردن عدالت جوانی پیکارگر نیست؛ به قربانگاه کشاندن عدالت اجتماعی نیز هست.

اگر از تمامی عرصه‌های دیگر نیز درگذریم، تنها نگاهی گذرا به جلسات به اصطلاح محاکمات افسران میهن دوست و برخی از توده‌های افسران میهن دوست که تظاهرات شوم این بیدادگری، آزادی کشی و مظلوم کردن آرم‌ن‌های عدالت-جو یان را در برآیم. دو اتهام ساختن علیه این "متهمین" بر "جاسوسی" و "اقدام به براندازی نظام ج.ا." دلالت دارد. اما در کیفرخواست دادستان، تنها به ماده ۱۹۹ "قانون حدود و قصاص" که طرح براندازی حکومت اسلامی را تصریح می‌کند، استناد شده است.

بیدادگاه‌های نظامی ج.ا. فاقد هرگونه اعتبار حقوقی است

ما پیشتر، درباره "اتهام واهی" "جاسوسی" سخن رانده ایم و با دلایل و مدارک انکارناپذیر و براساس اعترافات مسئولین امر و رئیس بیدادگاه‌های نظامی ج.ا. که عجز عالمان ارتجاع را از

ساختن و پرداختن مدرکی "قابل مطرح شدن" در این دادگاه‌های فرمایشی می‌رساند، بی‌پایه بودن این اتهام را به اثبات رساندیم. اکنون به بررسی شکلی، یعنی چگونگی به اصطلاح اثبات اتهام دیگر از جانب مسئولین امر، اتهامی که به همان اندازه پوچ و واهی است، می‌پردازیم.

حضور سه قاضی در دادگاه‌های نظامی الزامی است

پیش از آغاز بحث، تذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که رعایت آئین دادرسی و مقررات تدوین شده در باره "چگونگی اثبات جرم"، از اهمیت قطعی و تعیین کننده‌ای برخوردار است. این اصل غیر قابل چشم پوشی که در تمامی قوانین جزائی و مدنی جاری است، از آن چنان قطعیتی بهره منداست که عدم رعایت آن، اعتبار دادگاه و احکام صادره از آن را به کلی ساقط می‌کند و در نتیجه اتهام وارده، غیر قابل اثبات باقی می‌ماند. در این صورت، اتهام اثبات نشده، نمی‌تواند و نباید "جرم" تلقی شود و از این رو، مجازاتی هم بدان تعلق نمی‌گیرد.

مسئله را در رابطه با اتهام "براندازی" علیه افسران میهن دوست و توده‌های افسران میهن دوست می‌بینیم:

ماده "واحد" لایحه قانونی راجع به تشکیل دادگاه انقلابی ارتش که در جلسه مورخ ۵۸/۸/۲۹ به تصویب شورای انقلاب ج.ا. رسیده است و در مجموعه قوانین سال ۵۸ به چاپ رسیده، تصریح می‌کند:

"به منظور پاسداری از انقلاب اسلامی و استقلال ایران و مبارزه با توطئه گران علیه امنیت کشور و رسیدگی به جرائم و جنایات عناصر محرک و مخرب داخل ارتش و ژاندارمری و شهریانسی، دادگاه انقلاب ارتش، مرکب از سه نفر: یک قاضی شرع، یک قاضی دادگستری و یک قاضی ارتشی تشکیل می‌گردد."

در واقع علت آنکه پس از ختم جریان محاکمات اعلام می‌کنند:

"دادگاه وارد شور می‌شود."

به دلیل حضور قضات سه گانه شرع و دادگستری و ارتش است. اما از آنجا که بیدادگاه‌های نظامی ج.ا. را تنها یک قاضی شرع - بر خلاف نص صریح این ماده واحد - اداره می‌کنند، وی ناگزیرست تنها با دادستان یعنی مدعی العموم "متهمین" به شور بنشینند!

همین ماده واحد در مورد "ترتیبات تعقیب و تحقیق از متهمین" تصریح می‌کند:

"ترتیبات تعقیب و تحقیق از متهمین و رسیدگی به اتهامات طبق آئین نامه دادگاه‌های انقلاب اسلامی ایران، مصوب شورای انقلاب"

خواهد بود ...

پایمال کردن حق برخورداری از وکیل، صلاحیت دادگاه را نقی می‌کند

ماده ۷ و تبصره ماده ۸ این آئین نامه که تحت عنوان: الف- دادگاه‌های انقلاب اسلامی و طرز تشکیل آنها، مشخص شده و متن آن در روزنامه رسمی مورخ ۵۸/۴/۳۰ درج گردیده، در مورد داشتن حق تعیین وکیل و ساعاتی که برای دفاع در اختیار متهمین قرار می‌گیرد، تصریح دارد:

"ماده ۷- هر متهم حق تعیین وکیل ایرانی را خواهد داشت که بر مسائل قضائی و حقوق جزائی اسلام آگاه باشد."

تبصره ماده ۸ می‌گوید:

"دادگاه باید به متهم و وکیل او حداقل ۱۵ ساعت حق دفاع بدهد."

چنانکه آشکار است، صحنه گردانان نمایشات شوم این بیدادگاه‌ها، هیچ یک از عناصر متشکله این ماده واحد را که به ویژه و منحصر در رابطه با تشکیل دادگاه انقلابی ارتش تدوین شده، رعایت نکردند و با نقض خشن این قانون، دادگاه را از احراز صلاحیت رسیدگی به "جرائم" مندرج در این ماده واحد ساقط ساخته‌اند. از این رو، نمی‌توان و باید نتیجه گرفت دادگاه‌های فرمایشی رژیم ج.ا. حتی بر موازین و ضوابط قانونی بدون ارگان‌های حکومتی خود نیز قابل انطباق نیست و فاقد "صلاحیت" قانونی برای دادرسی و صدور حکم است.

محارِب و مفسد فی الارض

در متن کیفرخواست دادستان ج.ا. هنگام ارائه همدان قانونی اتهامات "متهمین" تنها به ماده ۱۹۹ "قانون حدود و قصاص و مقررات آن" استناد شده است. این ماده تصریح دارد:

"هر فرسرد و یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آن ها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می‌باشند."

چنانکه از جمله "هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد" نمایان است، طرح ریزی براندازی، باید با قصد و نیت قلبی صورت گرفته باشد. در واقع عنصر اصلی و تعیین کننده عمل "طرح ریزی"، عنصر قصد و نیت قلبی است. در غیر این صورت عمل انجام شده، طرح ریزی برای براندازی نیست و نمی‌تواند در ماده ۱۹۹ همدان قانونی خود را بیابد.

گزارشات مخدوش و ناصح مندیج در روزنامه های مجاز کشور، حکایت از آن دارد که تمامی

حکم اعدام برای براندازان رژیم شاهی

متهمین، اتهام " براندازی " را تکذیب کرده و مطلقاً از پذیرش این امر که قصد و نیت براندازی داشته‌اند، سر باز زده‌اند . هر چند آقای دادستان با جملات تحلیلی راحت از اظهاراتشان فهمیده می‌شود ، و " هر عضو حزبی می‌خواهد که حزیش به قدرت برسد " و " این حزب از طریق مبارزات سیاسی نمی‌تواند پشتیبانی ملت را تأمین بکند و فقط یک راه باقی می‌ماند و آن هم براندازی ! ترکیب عناصر مشکله جرم منطبق بر ماده ۱۹۹ را فراهم می‌آورد، ولی " متهمین " صریحاً ابراز می‌کنند :

" احتمال یک توطئه براندازی در ایران علیه جمهوری اسلامی واقعاً وجود نداشت " (توجه کنید: حتی احتمال آن هم وجود نداشته است، چه رسد به قصد و نیت !)

" من جاسوسی و اقدام بر علیه امنیت کشور و براندازی را قبول نداشته "

" البته یکی از مسائل این بود که واقعاً ما آن موقع اعتقاد داشتیم به اینکه می‌بایست از ج. ا. ح. حمایت بکنیم "

گذشته از این امر، چنان که از روح مفاد مدون قانون حد و قصاص و به ویژه ماده ۲۰۱ که بر موارد و راه‌های ثبوت محاربه و افساد فی الارض نظارت دارد دریافت می‌شود، نه تنها وجود عنصر " قصد و نیت قبلی " در تحقق جرم براندازی حتی و ضروری است، بلکه اقدام عملی در جهت آن نیز لازم است . بند ب این ماده بر این امر صراحتاً دارد :

" ب - یا شهادت فقط ۲ مرد عادل .

تبصره ۱ - شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته‌اند، به نفع همدیگر پذیرفته نیست .

تبصره ۲ - هر گاه عده‌ای مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند، شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیبی نرسیده، نسبت به دیگران پذیرفته است .

تبصره ۳ - شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند اگر به منظور اثبات محاربه نباشد، پذیرفته است .

به این ترتیب، نه تنها عنصر " قصد و نیت قبلی "، بلکه شهادت بر وجود آن و اقدام بر اساس آن نیز که به " تهاجم " منجر شده باشد از ارکان اصلی مشکله " محاربه و افساد فی الارض " بودن است .

راه‌های ثبوت محاربه و افساد فی الارض

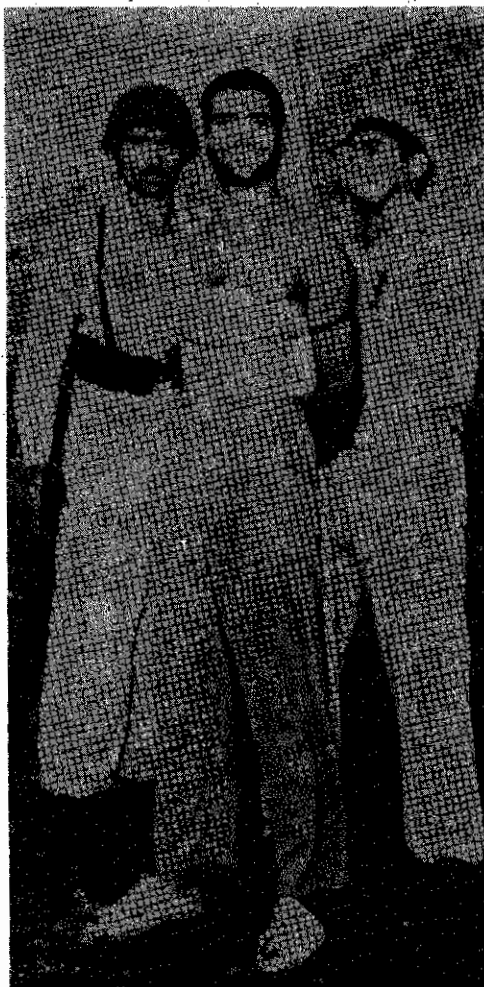
ماده ۲۰۱ قانون حد و قصاص تصریح دارد :

" محاربه و افساد فی الارض از راه‌های زیر ثابت می‌شود :

الف - با یک بار اقرار به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد " آنچه در جریان به اصطلاح بازجویی‌ها و بازپرسی‌ها گذشته، دقیقاً خلاف مضمون ماده فوق است . گزارشات مندرج در روزنامه‌های مجسما ز،

گواه بارز این ادعاست . اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که " اعتراف " گیری در خمیسمان دست پرورده سیا، مأمور خدمت در شکنجه‌گاه‌های ج. ا. ح. بر چه مبنای بوده است. آنان با اعمال شکنجه‌های طاقت‌سوز روحی و جسمی، استتسی و مدرن، " قصد و اختیار " قربانی خود را زایل کرده و " اقرار " خود ساخته را به امضاء آنان رسانده‌اند . دادستان ج. ا. ح. در جریان پیر-گزاری پیدادگاه‌های نظامی، خود به این امر اعتراف می‌کند . وی بارها " مفاد " پرونده را در مقابل دفاعیات متهمین می‌نهد و آنچه که بنا " قصد و اختیار " نسبی بیان می‌شود سردود اعلام می‌کند و بر " اقرار " که بدون " قصد و اختیار " گفته شده، تأکید می‌ورزد :

" دادستان در دفاع از کیفرخواست و در رد اظهارات متهم . . . به اعترافات متهم در متن بازجویی وی اشاره کرد . . . و تناقض کوشی



شهید ناوی وظیفه هوشنگ انوشه

شاه هم می‌بنداشت با قتل عام
افسران انقلابی و قودهای قادر است
تا بند بر این یک قدرت تکیه زد!

هائی متهم را یاد آور شد " دادستان در دفاع از کیفرخواست، ضمن رد دفاعیات متهم گفت: در حالی که ایشان خود را مقصر نمی‌دانند، ولی در پرونده ایشان تخلفات زیادی به چشم می‌خورد " دادستان در دفاع از کیفرخواست افزود: ایشان در صفحه ۲۷ پرونده . . . اعتراف کرده است "

به این ترتیب قانون حد و قصاص که بنا بر مفاد کیفرخواست دادستان، قابل استنباد و اجراسست، دستگاه و عاملان اجرائی قضائی را مکلف و موظف می‌سازد تنها از دو طریق: اقرار با قصد و اختیار و شهادت دو مرد عادل ناظر بر " مورد تهاجم " قرار گرفتن مردم، محاربه و افساد فی الارض بودن متهمین را به اثبات رسانند . در حالی که شکنجه گران و ضابطین و مجریان عدالت اسلامی " درج ۱۰ " و در رأس آنان دادستان که طبق قانون " برای تعقیب و توقیف متهمین و کشف جرائم و تحقیق اختیار تام " دارد و باید هر گفته و راستد . لاشئ موافق موازین قانونی هستند به مواد مدون قانونی باشد، تنها به " مفاد " پرونده - که بارها مورد انکار قرار می‌گیرد - و احراز و اثبات " پرداخت حق عضویت "، " اجرای قرارهای تشکیلاتی "، " داشتن نام مستعار "، " دادن کمک مالی " و " از این گونه " استدلالات " بی پایه که به هیچ وجه محل قانونی ندارد، پسندیده می‌کنند . بر اساس همین موارد " اتهام " و دلایل ضد قانونی و پیچ است که تنها حاکم شرع پیدادگاه‌های نظامی ج. ا. ح. به محکومیت و اعدام ۱۳ تن از افسران آزادی - خواه و برخی از فعالین حزب توده ایران، رأی داده است .

" دستور العمل ارسالی، به جای قانون "

دامنه این قانون شکنی‌ها و اقدامات ضد قانونی سردمداران ج. ا. ح. در این محدوده یاقی نمی‌ماند . طبق گزارش رسانه‌های گروهی ایران " محاکمه " اعضای حزب توده (ایران) در نوشهر و کازرون آغاز شده است و در بهبهان و آغا جاری (فارس) شیراز)، کرمان و چند شهر و استان دیگر به زودی آغاز خواهد شد . به گفته آقای موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور، توده‌های در بند نه بر اساس قوانین و آئین نامه " دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب که در جلسه ۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب به تصویب رسیده و در روزنامه رسمی نیز درج شده، بلکه بر اساس " دستور العمل ارسالی " که مفاد آن " مخفیانه " تنظیم شده و هیئتی قانونی ندارد، به اصطلاح محاکمه می‌شوند . مرجع تدوین این " دستور - العمل " نیز نامعلوم است - حتی شورای عالی قضائی هم تنها " مواردی " از این " دستور - العمل ارسالی " را مورد بررسی قرار داده است . آنهم پس از " ارسال " به برخی از دادگاه‌های انقلاب ! آقای اردبیلی می‌گوید :

" در این جلسه تصمیم گرفته شد، به منظور ایجاد وحدت رویه در محاکمه کیفری ۲ و اجرائی احکام، یعنی از آقایان روحانی با داشتن ابلاغ، بقیه در صفحه ۲۹

کارنامه سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی در پنجمین سالگرد انقلاب بهمن

بقیه از صفحه ۱

دستاورد های انقلاب در عرصه های استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پایمال حاکمیت روبرو یافته از خلق

در میهن ما امروز، استبداد قرون وسطایی حاکم است که به مدد دستگاه های اطلاعاتی و نهاد های سرکوب گر گوناگون، که شبکه های آن سراسر کشور را فرا گرفته است، حق فعالیت آزاد و سیاسی را از همه نیروهای مدافع آماج هسای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، سلب کرده است. ملیت های غیر فارسی در میهن ما، همچنان از حق خود مختاری محرومند. مردم محروم و میهن دوست و آزادی خواه کردنستان به جرم دفاع از این حق طبیعی خویش، آماج وحشیانه ترین سرکوب های ضد مردمی در تاریخ معاصر ایران بوده اند.

حق برابری زنان با مردان در ج ۱۰ به مثابه افکار فزانه تکفیر می شود. زنان کشور ما، در سال های گذشته بسیاری از حقوق ابتدایی خویش را که طی دهها سال مبارزه کسب کرده بودند، از دست داده اند.

در عرصه تأمین عدالت اجتماعی

در عرصه تأمین عدالت اجتماعی، توقف و بازگشت انقلاب نتایج اسف انگیزی برای زحمتکشان به بار آورده است.

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، کشور ما را به میدان غارتگری لجام گسیخته خویش تبدیل کرده اند. به اعتراف سران ج ۱۰ طی پنجساله پس از انقلاب، در نتیجه سیاست دفاع از سرمایه داری دولت ششصد میلیارد تومان بر میزان نقدینگی بخش خصوصی افزوده شده است. سرمایه داران ایران از جمله تا سال ۱۳۶۱، ۲۸۰ میلیارد تومان سود خالص داشته اند، در حالی که میزان مالیاتی که داده اند، تنها یک سوم مالیاتی است که مزد بگیران - کارگران و کارمندان - پرداخته اند (ساحبه وزیر مشاور و مسئول سازمان برنامه ریزی و بودجه - اطلاعات ۳ بهمن ۶۲). دستمزد پنج میلیون کارگر و نزدیک به یک میلیون کارمند، در طول سالهای پس از انقلاب ثابت مانده است.

اصلاحات ارضی، متوقف شده است و روند بسیار گرداندن زمین های زیر کشت دهقانان به بزرگ مالکان آغاز شده است. بهای محصولات کشاورزی دسترنج ۲/۵ میلیون خانوار دهقان ایرانی در سالهای پس از انقلاب افزایش بسیار محدودی داشته است. در چنین شرایطی بار تورم سرسام آور - سالیانه در حدود چهل درصد - بیش از همه بر دوش کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان سنگینی می کند.

در طول سالهای پس از انقلاب، خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی و بیمه و تأمین اجتماعی زحمتکشان کاهش محسوس داشته است. **اداره توسعه طلبانه جنگ با عراق،** پیش از پیش، به نیک فاجعه عظیم اقتصادی و انسانی تبدیل

پوشش، با مشارکت انحصار آلمانی "کرافت وک" و "ونون" بر این مجموعه اضافه شد (اطلاعات ۹ بهمن ۶۲). حکام ج ۱۰ آگاهانه راه نو - سازی نظام سرمایه داری وابسته را برگزیده اند. بازسازی وابستگی تسلیحاتی، و تلاش برای احیای وابستگی نظامی ایران در چهار چوب پیمانهای نظامی امپریالیستی، در سالها و ماه های اخیر اوج بیسابقه ای یافته است. رهبران ج ۱۰ در حالی که سالیانه صدها میلیون دلار سلاح و وسایل یدکی تجهیزات نظامی، به بهانه اداه جنگ توسعه طلبانه با عراق، از آمریکا، انگلستان، آلمان فدرال، ایتالیا، اسپانیا، کره جنوبی و اسرائیل خریداری می کنند، در ماه های اخیر برای جلب توافق امپریالیسم جهانی نسبت به فروش سلاح های استراتژیک به ج ۱۰ به رسوا ترین معاملات سیاسی پرداخته اند. آنان پوشش اقتصادی پیمان امپریالیستی سنتورا در قالب پیمان عمران منطقه ای احیا و آمادگی خویش را برای شرکت در "شورای همکاری خلیج" اعلام کرده اند. تلاش برای جلب همکاری کودتاجویان رسوای ترکیه در سرکوب خلق کردرا (رفسنجانی رادیو ایران ۱۱ بهمن ۶۲) بایدگامی نوین در راستای پیمان سنتوشمرد.

همسویی و همسانی سیاست های حکام ج ۱۰ با سیاست تجاویز گرانه امپریالیسم جهانی، هر هفته ابعاد وسیع تری به خود می گیرد. ج ۱۰ در جنگ صلیبی تجا و زکارتین جناح امپریالیسم جهانی برای تضعیف اردوگاه سوسیالیسم مشارکت فعال دارد، و در حالی که روابطش را با دولت امپریالیستی گسترش می دهد، مناسبات با نیرو های انقلابی در منطقه خاورمیانه را تیره تر و محدود تر می کند. ج ۱۰ در جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان شرکت دارد، و با امرا ربراداه توسعه طلبانه جنگ با عراق - در عمل به فراهم آوردن شرایط مناسب برای توسعه فعالیت نظامی تجاویز گرانه امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه یاری می رساند.

توقف و عرصه تأمین آزادی های دمکراتیک

حاکمیت ج ۱۰ که از دیر باز، با بهانه تراشی نای گوناگون، و با سوء استفاده از اشتباهات نیروهای انقلابی، آشکار و مخفیانه به ایذا و عقیب و دستگیری و شکنجه و قتل انقلابیون می پرداخت که بنا بر قانون اساسی و حتی بناییر با نین مورد تأیید رسمی دستگاه قضایی خویش اهی جز دگراندیشی و دفاع از آماج هسا و ستاورد های انقلاب نداشته، از سال ۶۱ با رش ضد منشان به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریست) زمانده آزاد بهای دمکراتیک را نیز زیر پا گذاشت

می شود. به اعتراف سران ج ۱۰ روزانه ۲۲۲ میلیون تومان از دسترنج مردم صرف تأمین هزینه های جنگی می شود. خسارات اقتصادی جنگ به رقم سرسام آور ۲۰۰ میلیارد دلار نزدیک می شود. برای جبران این خسارت، نیمی از منابع زیر زمینی نفت ایران که می بایست صرف پایه ریزی اقتصاد مردمی، و تأمین اقتصادی مردم محروم ما و نسل های آینده شود، باید به فروش برسد. بی گمان اداه جنگ بازمانده این ثروت ملی را نیز به باد خواهد داد.

صدها هزار تن دیگر از زحمتکشان میهن ما تا کنون در این جنگ کشته و زخمی و معلول شده اند، و صدها هزار تن دیگر به اجبار یا با عوارضی به جبهه ها گسیل می شوند تا به کشتن جلوی لوله توپ تبدیل شوند.

اما بدون شک بزرگترین قربانی و زخمی و معلول این جنگ خانها نوزادان انقلاب شکوهمند بهمن است. نمایندگان و مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، از شرایط ناشی از جنگ، بیشترین بهره برداری را در راستای مسخ انقلاب و طفره رفتن از تحقق خواست های برحق مردم کرده اند.

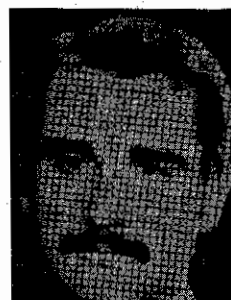
پنج سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ملی و مردمی بهمن ۱۳۵۷، چنین وضع اسفناور و نگران کننده ای بر میهن ما حکم فرماست. در تاریخ خلق ها، ماهها و سالهای انقلاب، به سنگینی و پیریاری سالها و دهساله ها می گذرند. در تاریخ سپید موی میهن ما نیز، دوره پنجساله انقلاب بهمن، از جهات گوناگون اهیتی ایمن چنین داشته است.

توده های میلیونی مردم محروم و ستم کشیده ما که پنج سال پیش با جانیازی ها و ایثارگری های حماسی خویش، نظام ستم شاهی وابسته به امپریالیسم را سرنگون کردند، و نخستین گام پیروزمند را در راه دستیابی به آرمان های دیرینه خود، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برداشته، در این پنجساله، در راه هپیطایی سراسری یا شکوه خویش به سوی این آماج ها، فراز و نشیب های بسیاری را به چشم دیده اند. آنسان در آشفشان گدازان رویداد های گوناگون، آبدیده شده اند. نمایندگان سیاسی سرمایه داران و بزرگ مالکان را کم و بیش به تجربه عینی شتاخته اند. و میزان اصولیت و پایبندی گردان های مختلف نیروهای انقلابی را در پایبندی به آرمانهای انقلاب لمس کرده اند. این تجربه اجتماعی و تاریخی عظیم، مایه اصلی آگاهی ملی و طبقاتی ژرفی شده است، که هنگامی که به شکل انقلابی آنان فرا رود، دیر یا زود سرانجام پس بست انقلاب ملی دمکراتیک ایران را در هم خواهد شکست، و به سوی پیروزی نهایی راه خواهد گشود.

پارتیزان‌های توده‌ای در سنگرهای انقلاب

تجدید خاطره با یارانی که تا آخرین ذره هستی سوزان و آخرین نفس پهلوانی شان را به حزب و انقلاب هدیه کردند

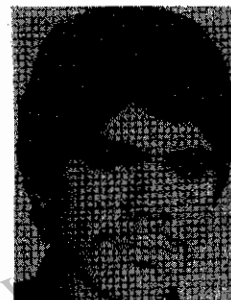
درد به سرزمین حماسه و قیام و خلق‌های بیداری که پیام انقلاب و رستگاری اند .
یک بار دیگر بهار پیروزی از تلاطم موج‌های شهدای بی‌شمار رنج و رزم - پهلوانان توده‌ای - طلوع کرد . آنان از سنگلاخ‌ها و خارزارهای اختناق آمدند . سنگرهای دشوار را پشت سر گذاشتند . ارواح خبیثه استبداد و شیطان پسر افسون امپریالیسم، در هجوم وهیبتشان زخم برداشتند و به خاک افتادند .
در این تلاطم رزم و ایثار بود که پارتیزان‌های توده‌ای اعضا و مسئولین حزب توده ایران در میدان‌های نبرد مسلحانه به شهادت رسیدند .
شهدای توده‌ای که دوش به دوش مردم می‌آرزو آخرین دژهای رژیم پوسیده شاه و داروغه‌هایش را فتح کردند، با خون پاک خود یک بار دیگر حقانیت آرمان‌ها و صداقت انقلابی خویش را در عرصه عمل به اثبات رساندند و به صف طولانی سرخی که شهدای حزب توده‌ای مسا به طول ۴۲ سال پیکار بی‌امان و پیراز شکنجه و رنج و حماسه به وجود آورده‌اند، پیوستند .
حاصلخیز باد مرگشان که چون زندگیتان پسر از عشق و معنی مرد می‌بود



رفیق شهید - خسرو مقصودی



رفیق شهید محمد جافانیان



رفیق شهید علی مطلب‌زاده



رفیق شهید محمد سلطانی‌زاده

" آنچه آموختیم، اینک باید به کار ببریم .
یک روز، هر کلمه‌ای که می‌آموختیم وبه دیگران می‌دادیم، پربارتر از صد ها گوله بود .
و امروز هر گوله پرمعنی تر از هزاران هزار کلمه است ."

رفیق خسرو مقصودی، راه حزب توده ایران را راه رستگاری نهایی جویندگان حقیقت می‌دانست و در این سنگر بود که تمامی ذرات هستی پرنعمت و پربار خود را نثار کرد - تا از این بذرخون و شرافت، گل‌ها و میوه‌های فردا به بار آید

نادر عبدالمناف (کارگر آرماتور بند) مدتی طولانی نبود که به یکی از شاخه‌های سازمان " نسود " پیوسته بود . گشته بود و گشته بود، تا سرانجام میعاد گه خویش را در وجود حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران که تاجی از خون و شهادت بر پیشانی بلند آن می‌درخشید، یافته بود .

این صدای اوست، صدای شهیدی که از مرگ قوی تر است:
" کارگران و بازرگان، آنها یا واردند که راه ما به حق است، پیش از این چسبه می‌خواهیم ؟"

در نظرگاه " نادر " همه چیز در پرتو تارها بود و پرتو تارها همه چیز بود . جهان در چشم او با " کار " آغاز می‌شد و با " کارگر " مفهوم خود را به دست می‌آورد . او چه چیزی گرانبها تر از جانش داشت تا بر سر این سودا فدا کند ؟

رفیق شهید نادر عبدالمناف در حمله به یک مرکز ساواک، در کوی اطیاب، تبریز، بر اثر اصابت گوله به جمجمه‌اش به شهادت رسید . نادر به هنگام مرگ سلحشورانه‌اش فقط ۱۸ سال داشت . اما همین سالیان سرشار از کار و رنج یا همه کوه‌های نمونه‌وار بود .

رفیق شهید محمد سلطان‌زاده (معلم راهنمایی) در بحبوحه نبرد همه جانبه انقلاب و ضد انقلاب با رگبار پلیس آرماتور در فلکه مرکزی شهر خوی چون سرو شادابی ریشه کن شد . گوله پیشانی او را شکافت و با مغز پریشان شده‌اش روی دیوار نقش یک جنایت و یک حماسه را توأمان تصویر کرد . در کنار این نقش، مردم شاخه‌های سرسبز سرورا به دیوار نصب کردند، تا تبرک این جان عشق در یادها بماند .

علی مطلب‌زاده، رفیق دیگری بود که با ایمان و شجوری فراوان جان خود را نثار آرمان و راهش، راه طبقه کارگر ایران، راه حزب توده ایران کرد . این توده‌ای جوان در روز چهارم دی ۵۷ در جریان تظاهرات ضد امپریالیستی در برابر سفارت آمریکا در خیابان ظالمان، بارگبار گوله بقیه در صفحه ۱۵

سند سپیدم

(به شهیدان انقلاب)

سند سپیدم در این مرز و ان خرم
چه کویان، چه تازان
بدان دیدگان درخشان
ز سبها جهنده چه بس آذرخشان!

سند سپیدم در این دشتهای دلاویز
بدان یال ابریشم خام روشن
مگر آبخاری است در خیز و واریز!

سند سپیدم بدان گامهای پیایی
هرق ریزد از موی الماس رنگم
افق بستر خون بگشرد و بشرد
در آغوش خود تنگ تنگم .

رفیق شهید محمد جافانیان، دبیر سند یکی کارگران بافنده سوزنی، در نبردهای خونین میدان ارک تهران به خاک افتاد . او که فعالانه در سنگر نیروهای انقلاب در جهاد و تلاش بود و از جمله در حمله انقلابی به کلانتری‌ها نیز شرکت داشت، هنگام نجات یک رزمنده مجروح، هدف گوله قرار گرفت .

محمد همیشه می‌گفت:
" حزب توده ایران مثل چشم‌های می‌ماند، همه به آن می‌تازند . روشننگران خرده بورژوا، ارتجاع، سرسپردگان امپریالیسم . . . ولی این چشمه هم چنان زنده است و می‌جوشد و همه این گل و لای را می‌شوید . . . سرانجام همه به حقانیت آن اعتراف خواهند کرد ."

رفیق محمد جافانیان به هنگام شهادت ۲۲ داشت .
در گوشه دیگری از میدان نبردهای مسلحانه خلقان، خون یک دانشجوی مبارز توده‌ای، سرورد آزادی را بر خاک نقش زد، رفیق خسرو مقصودی (دانشجوی سال پنجم دانشکده فنی دانشگاه تهران) .

رفیق شهید در نبرد روز ۲۲ بهمن برای تصرف رادیو در میدان ارک به خاک و خون غلطید .
او آرش دیگری بود در زمانه ما که جان خود را در تیر نهاد و قلب اهریمن ظلمت را نشانه گرفت . این پیام اوست که هویت ابدی یک شهید را در قله آگاهی بر ملا می‌کند:

روند بازسازی پیمان تجاوزگروستو وسرکوب خلق کرد

با حاکم کردن سکوت گورستان در کردستان، مسئله ملی حل نخواهد شد

حکام ج ۱۰ همچنان به سرکوب خلق کسرد ادامه می دهند روزی نیست که اخبار "پاکسازی" مناطق کردستان از لوث وجود ضد انقلابیون در رسانه های گروهی منتشر نشود. اخیرا نیز در عملیاتی به نام "رهائی قدس" یورش وسیعی به شهرهای مرزی کردستان انجام گرفت و طبق آمار منتشر شده ۳۰۰ نفر، زن و مرد و کودک، بیرو جوان خلق کرد، قربانی لشکر کنسی خونین و جنایتکارانه نیروهای سرکوبگر ارتشی و پاسدار در این مناطق شدند.

همزمان با این لشکر کشی ها، اظهاراتی از سوی برخی مقامات درجه اول حاکمیت ج ۱۰ پیرامون مسائل کردستان انجام گرفت که از لحاظ مضمون و محتوی هم نشانگر چرخشی است که در تمام سطوح در سیاست های ج ۱۰ به وقوع پیوسته و هم نمایانگر آن که حاکمیت ج ۱۰ کدام جهت و کدام راه را برای آینده "خسود" برگزیده است.

آقای رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، که در هفته های اخیر، در سخنرانی ها و خطبه های نماز جمعه خود، اغلب موضع گیری های گذشته اش را از جمله در مسایل مربوط به عدالت اجتماعی و لغو قرارداد های نظامی با آمریکا، پس گرفته و طوری وانمود می کند که گویا هرگز در این زمینه ها سخنی به سود پیشرفت انقلاب نگفته است، در مورد مسئله کردستان نیز اشاراتی در دیدار با سفیر جدید کشور "دوست و برادر" ترکیه کودتا زده و عضو پیمان ناتو، داشته است، که آن را می توان دنباله "کوششهای مزبور شمرد".

آقای رفسنجانی در بخشی از گفتگوهای خود گفته است:

"شما دیدید که مردم کردستان را تحریک کردند، ولی ما در سخت ترین شرایط، حتی پنده خود مختاری هم به آنها که در آنجا شرارت می کردند ندادیم و در نقطه" مقابل این تصمیم، شما مسئله صدام را دیدید که خوشبختانه شما هم به ما نزدیک شدید. ما باید مواظب باشیم که فکر آشوب در مردم کردستان ایجاد نشود" (راد یو ایران ۱۱ بهمن ۶۲).

ظاهرا آقای رفسنجانی، محتوی پیام ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۸، آیت الله خمینی را که جنگ برادر کشی در کردستان را توطئه بدخواهان خواند و به مردم کردستان قول خود مختاری داد برآموش کرده است.

یت الله خمینی در این پیام گفت:

"در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حقوق داره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشر های ملت است، منجمله برادران کرده که دولت

جنگ، جنگ... تابدیت!

یکی از خبرنگاران، با تلاش بسیار، به یکی از مسئولان ج ۱۰ دسترسی پیدا کرد و این گفت و گو میان آن ها در گرفت:

خبرنگار: لطفا بفرمایید برای مشکل دهقانان و زمین های زراعتی چه فکری کرده اید؟

مقام مسئول: می دانید که ما درگیر جنگ هستیم و در شرایط فعلی نمی توانیم به این موضوع بپردازیم. ان شاء الله پس از خاتمه جنگ، دهقانان صاحب زمین و کود و بذر و آب و ماشین های کشاورزی خواهند شد و دیگر هیچ گونه نگرانی و ناراحتی نخواهند داشت.

— برای کارگران چه فکری کرده اید؟ قانون کار چه شد؟ افزایش دستمزد کارگران چه می شود؟

— در شرایط جنگی انتظار دارید برای کارگران چه فکری کنیم؟ فعلا ما همه "تسوان" و امکانات خود را بر مسئله "جنگ متمرکز کرده ایم" پس از پایان جنگ کارگران عزیز ما از يك قانون کار مرفی و از حقوق و مزایای فراوان برخوردار خواهند بود و دیگر کوچک ترین حقی از آن ها ضایع نخواهد شد.

— برای مسئله "مسکن چه فکری کرده اید؟

— در شرایط جنگی مسئله مسکن قابل حل نیست. پس از خاتمه جنگ مشکل مسکن به طور اصولی حل خواهد شد و همه "مردم" اعم از شهری و روستایی، صاحب مسکن مناسب خواهند شد.

— درباره گرانی و تورم و کمبودها و بازار سیاه چه می گوئید؟

— همه این ها از عوارض مستقیم جنگ است. خودتان می دانید که جنگ چه هزینه سنگینی دارد. جنگ که پایان یافت، گرانی و تورم و کمبودها و بازار سیاه هم به خودی خود از میان خواهد رفت.

— برای مسائلی مانند آموزش و پرورش و بهداشت و رفاه و سودآموزی چه برنامه های دارید؟
— برنامه!؟ الان تنها برنامه ریزی ما برای جنگ است. بعد از پایان یافتن جنگ برای این چیزها هم فکری خواهیم کرد و برنامه های خواهیم ریخت.

— برای زنان و کودکان و جوانان چه می کنید و چه خواهید کرد؟

— زنها که باید در خانه بمانند و آش و آبگوشت بپزند. این "جهاد" آنهاست. اما کودکان و جوانان باید به جبهه بروند و بجنگند. جنگ که خاتمه یافت، مسائل آنها مطرح خواهد شد.

— لطفا ممکن است بفرمایید جنگ چه موقع تمام می شود؟ اگر بغداد را بگیرد و صدام را ساقط کنید، جنگ تمام خواهد شد؟

— تمام!؟ به! تازه شروع می شود! بعد از سقوط بغداد، قلب استکبار جهانی را نشانه می رویم و پایهای دنیای کفر و الحاد را به لبرزه در می آوریم!

جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می باشد.

آقای رفسنجانی همچون دیگر رهبران ج ۱۰ بالین گونه اظهارات، از این شعار که "ما هیچ وعده ای ندادیم و مقید به انجام آن وعده ها نیز نیستیم"، بی روی می کند.

نکته دیگری که در گفته های آقای رفسنجانی جلب توجه می کند، تأکید ضمنی سرکوب خلق کسرد توسط دولت فاشیست ترکیه است که نه تنها در مرزهای خود بلکه فراتر از آن در عراق نیز انجام گرفته و می گیرد.

هیچ کس لشکر کنسی ترکیه به کردستان عراق را که با آگاهی و موافقت رژیم صدام انجام گرفت و سرکوب پایگاه های انقلابی، حزب کمونیست عراق و حزب دمکرات کردستان عراق را هدف خود داشت فراموش نکرده است. سکوت تأیید آمیز رهبران ج ۱۰ در آن مقطع، چنین تأیید آشناری را نیز باید در پی داشته باشد. به دنبال همین موضع گیری ها است که آقای رفسنجانی باید از اینک: "شما (ترکیه) هم به ما نزدیک شدید" اظهار رضایت کند.

رهبران ج ۱۰، نه تنها سرکوب مبارزات حق طلبانه خلق کرد در ایران را طلب می کنند بلکه خواهان آنند که این عمل در مناطق دیگر نیز صورت گیرد. از این روست که آقای رفسنجانی می گوید:

"ما (ایران و ترکیه) باید مواظب باشیم که فکر آشوب در مردم کرد ایجاد نشود".

چنانکه از اظهارات آقای رفسنجانی پیداست، ابعاد فاجعه ای که میهن و انقلاب ما با آن روبروست، از سرکوب وحشیانه خلق کرد فراتر می رود. سخن بر سر دهن تمامی وعده های "دین پرکن گذشته" و حرکت به سوی هماهنگی کامل با عمل امپریالیسم در منطقه و گام نهادن در راه احیای پیمان تجاوزگروستو است.

اما سران ج ۱۰ بیسپوده به راه حل های ارتجاعی و امپریالیستی برای حل مسایل اساسی میهن ما پناه می برند. اگر مسأله ملی با اتحاد ارتجاع منطقه قابل حل بود، تا کنون حل شده بود. به فرض محال اگر ج ۱۰ به یاری دست نشاندهگان امپریالیسم در منطقه موفق شوند همه آزادی خواهان کرد را از دم تیغ بگذرانند و سکوت گورستان را بر این پخش از میهن ما حاکم کنند باز هم مسأله ملی در کشور چند ملیتی ما از میان بر نخواهد خاست. دیر یسا زود، فرزندان این خلق دلاور جای پدران و برادران خود را خواهند گرفت، و دوباره استقلال و آزادی برای سراسر ایران و خود مختاری برای کردستان را خواستار خواهند شد.

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره اقدامات توطئه گرانه و سرکوبگرانه علیه سازمان فدائیان خلق ایران

مردم مبارز ایران!

در آستانه پنجمین سالگرد انقلاب بهمن ، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وارگانهای سرکوب آن در جهت برآوردن اهداف و به منظور جلب اعتماد امپریالیسم ، در نظر دارند توطئه سرکوب گسترده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به اجرا گذارند .

مردم ما به خاطر دارند که سال قبل نیز در چنین روزهایی توطئه از قبل تدارک دیده شده علیه حزب توده ایران توسط ارگانهای سرکوب به اجرا گذاشته شد و گروه کثیری از رهبران ، کادرها و اعضای حزب توده ایران دستگیر و در زندانها به زیر شکنجه جلادان سپرده شدند اینک نیز در آستانه پنجمین سالگرد انقلاب ، آقای ری شهری حاکم شرع دادگاههای ارتش اعلام داشته است که حکومت در نظر دارد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را غیر قانونی اعلام کند! او در صاحبهای که روز شنبه اول بهمن ماه به منظور اعلام احکام دادگاههای فرمایشی علیه افسران میهن پرست و گروهی از اعضای حزب توده ایران ترتیب داده بود، علت به تعویق افتادن احکام از پیش صادر شده عدهای از افسران را ارتباطات احتمالی آنها با سازمان فدائیان خلق ایران توضیح داد و توطئه حکومت علیه سازمان ما را آشکارا اعلام نمود .

هم میهنان قهرمان و انقلابی!

مدهاست که ارگانهای اطلاعاتی و سرکوب جمهوری اسلامی ایران ، توطئه " سرکوب اسلام نشده " سازمان ما را به اجرا گذاشته اند . به ویژه در یک ساله اخیر پیگرد، تعقیب و دستگیری کادرهای سازمان به خصوص کادرهای رهبری سازمان در دستور کار ارگانهای سرکوب رژیم قرار داشته است . آنها هر چه در توان داشتند به کار بستند ، و به ردیالنه ترین و مشغزکننده ترین شیوهها متصل شدند تا بلکه بتوانند کادر های رهبری سازمان را به دام اندازند . تورهایی وسیع تعقیب و مراقبت به راه انداختند ، خانواده های اعضای رهبری سازمان و زندانیان اسیر فدائی را تحت فشار قرار دادند ، چند تراز کادر های سازمان را که بیش از دو سال قبل خود سرانه بازداشت کرده بودند به زیر شلاق کشیدند تا به رهبران سازمان دست یابند . اما هوشیاری و کنگ های یثارگرا نه فعالین سازمان این توطئه ها را خنثی کرد . و اکنون ما مهربن شکنجه و سرکوب که در این توطئه ناموفق بودند چند ماه است عدهای از کادرهای سازمان را در سلسله های این شکنجه می کنند و از آنها می خواهند که شرف انقلابی خود را لگدمال کنند . به دنبال این سلسله اقدامات ناجوانمردانه ، امروز آقای حاکم شرع ! اعلام می کند که سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثریت) را غیر قانونی اعلام خواهد کرد و رسانه های گروهی مطلقاً انحصاری حکومت ، همنا با رادیوهای امپریالیستی و ضد انقلاب کوشش می کنند زمینه های لازم جهت سرکوب سازمان را تدارک ببینند و به خیال خود افکار عمومی را آماده نمایند .

مردم مبارز ایران!

امسال پنجمین سالگرد انقلاب بهمن در شرایطی برگزار می شود که حکومت جمهوری اسلامی در همه جهات راه تقابل و جدایی با شما را در پیش گرفته است و در راه شکست انقلاب و برای تحکیم نظام سرمایه داری و گشودن میدان برای چپا و لگری کلان سرمایه داران و وزیرگه مالکان گام برمی دارد . کوشش برای نزدیکی هر چه بیشتر به غرب و تلاش به منظور جلب حمایت امپریالیسم آمریکا ، به اوج رساندن کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی و به کار گرفتن همه امکانات خود برای سرکوب خونین تمام نیروهای انقلابی ، امروز مشخصه سیاست جمهوری اسلامی ایران است . در چنین شرایطی پیگیری قاطعانه سازمان در دفاع از انقلاب و مردم و مخالفت قاطع سازمان با سیاست های حاکم ، خشم روزافزون ارتجاع را برانگیخته و برنامه سرکوب گسترده سازمان را در دستور کار آنان قرار داده است .

مردم قهرمان ایران!

بشريت آگاه و ترقی خواه جهان!

افشای سیاست های سرکوبگرانه و توطئه آمیز حکومت جمهوری اسلامی ، امروز يك وظیفه خطیر انقلابی است . ما از همه مردم زحمتکش و انقلابی میهن و از همه نیروهای مترقی در سراسر جهان ، از همه احزاب ، سازمانها ، انجمنها ، جمعیتها و شخصیت های بشر دوست و آزادی خواه صبرانه می خواهیم که با ننگ اعتراض خود را علیه همه جنایاتی که در میهن ما می گذرد رساتر سازند .

امروز مردم و انقلابیون میهن ما ، در مبارزه خود علیه این جنایات و برای پایان دادن به ترور و سرکوب و خفقان ، بیش از هر زمان دیگر به همبستگی ملتها نیاز دارند . صدای خود را علیه سرکوب و شکنجه و اعدام بلند کنید ، از سازمانهای انقلابی و مترقی و زندانیان سیاسی دفاع نمائید و اقدامات جدید سرکوبگرانه رژیم علیه سازمان فدائیان خلق ایران را افشا و محکوم سازید .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهمن ماه ۱۳۶۲

زدوبندهای پنهان حکام ج.ا.را با امپریالیسم جهانی افشاء کنیم!

سوئد در ایران

کارخانه تروتیل می سازد

دو شرکت سوئدی با نامهای نوبل شمتا تر و اسکنسکا سنت بیوتری بیت در ایران کارخانه تولید مواد منفجره می سازند . این کارخانه در یک منطقه کوهستانی تقریباً غیرقابل دسترس نزدیک شهر اصفهان بنا خواهد شد .

بر اساس اخبار روز سه شنبه تلویزیون سوئد در همین منطقه که از لحاظ نظامی محافظت می شود ، ساختن یک کارخانه تولید مهمات جنگی مواد منفجره نیز برنامه ریزی شده است . کارخان مزبور ، اقدام به تولید اسید کلرید ریک و اسید سولفوریک خواهد نمود که این مواد به نوبه خود تولید تروتیل (تری نیترو تولوئن) به کارخواهند رفت .

اجرای این پروژه که قرار داد آن در سال ۱۹۷۸ بسته شده و متعاقب سقوط شاه عملیات اجرایی آن متوقف شده بود ، مجدداً به پیمانکار شرکت سوئدی اسکنسکا سنت (ریخته گسری بیوتری بیت) آغاز شده است .

شرکت نوبل شمتا تر که در اجرای این پروژه سهام است متعلق به کنسرن بیفورس - دارنده بزرگترین کمپانی تولید اسلحه و مهمات جنگی د اسکاندیناوی است .

بر اساس گزارش تلویزیون سوئد ، این پروژه بهای معادل هفتصد (۷۰۰) میلیون کسرون بزرگترین قرارداد ای است که در نوع خود تا کنون با این شرکت بسته شده است .

طبق همین گزارش صادرات سوئد به ایران از ۱/۳ میلیارد کرون در سال ۸۲ به ۳ میلیارد کرون در سال ۸۳ افزایش یافته است .

بنا بر اخبار روزنامه های سوئد روز ۱۱ ژانویه عراق تهدید کرده که چون این کارخانه اسلحه سازی است ، آن را بیچاران خواهد کرد و دولت سوئد باید از ساختن آن صرف نظر کند . روزنامه اضافه می کند که جان ۱۰۰ نفر سوئد یدایر ، در معرض خطر قرار گرفته است . دولت سوئد با مقامات عراقی در این رابطه تماس گرفته است (به نقل قول از روزنامه سوئدی " واگس نی هتر و اخبار تلویزیون سوئد)

" راه توده " با تشکر از فرستنده این خبر خواهان همیاری همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه ایران ، در افشای زدوبندهای پنهان حکومت ج.ا. با امپریالیسم جهانی به سرکردگ امپریالیسم آمریکا است .

تحولات طبقاتی درجا

انقلابی ملی و دموکراتیک به میان توده‌ها سازمان دادن و رهبری جنبش انقلابی ایفا کردند. در این میان به دلایل خاص، نقش روحانیون و روشنفکران مذهبی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.

روشنفکران، به طور عمده بسته به مکانی که در نظام تولید و توزیع اجتماعی اشغال می‌کنند، و بسته به میزان درآمد و عوامل سیاسی و فرهنگی، هم چون دیگر اقشار میانه در تحلیل نهایی همواره به سوی منافع بنی از طبقات اصلی اجتماعی سمت‌گیری می‌کنند و به خدمت آنها در می‌آیند. در جریان گسترش و ژرف شدن انقلاب مخالفت با استقرار نهاد های استبدادی و نهاد های ارتجاعی قضایی و گرایش های علم ستیزی و هنر ستیزی حاکمیت، تا حدی در معینی مستقل از محتوای طبقاتی، نقش مهمی در سمت‌گیری سیاسی روشنفکران ایران ایفا کرد. به این ترتیب کسبه میان روحانیون و روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی متجدد و نوگرا، با شیوه تولید ساختارهای سنتی تولید و توزیع پیوند داشتند؛ نیز کم و بیش مرز بندی و مرزهای معیاری عمل آمد. این مسرریزندی چه بسا روشنفکران و دیکرات و ملی را در کنار دشمنان و مخالفان پیشرفت انقلاب قرار داد، و چه بسا روشنفکران مذهبی ضد امپریالیست و مردمی را به سازش با امپریالیسم و ارتجاع سوق داد.

حزب ما در آموزش این نکته تعیین کننده به روشنفکران انقلابی ایران که در بر خود با روشنفکران مذهبی و روحانی، گرایش عمده آنان را از گرایش های غیر عمده جدا کنند و متحدان سیاسی و طبقاتی خود را به طور عمده بر اساس سمت‌گیری ضد امپریالیستی و خلقی آنها برگزینند، نه بر اساس جهان بینی و جامعه و شیوه زندگی، نقش چشمگیری ایفا کرد. بی شک در برآمدهای انقلابی آینده، تأثیر این آموزش بیش از پیش خود نمایی خواهد کرد.

آموزش در محیط روشنفکری ایران، از دبیرستان ها و دانشگاه ها تا دادگستری و ادارات و پادگان ها و هنرکده ها، قشری گسی و انحصار طلبی ضد دموکراتیک، با گرایش های علم ستیزی و هنر ستیزی و خرافه پرستی در آمیخته است. امحاء عناصر شرقی فرهنگ ملی ایران، نارضایتی قزایند، ای را در میان روشنفکران ملی و دیکرات دامن می زند. با تسلط نمایندگان زمین داران و سرمایه داران بزرگ بر حاکمیت، و همکاری و همسویی هرچه بیشتر حکومتی، با امپریالیسم جهانی، این نارضایتی ها دوباره دست مایه گرد هم می بیچاره و دم افزون توده روشن فکران انقلابی، در صفوف جنبه نیروهای ضد امپریالیست و مردمی شد ماند.

سازمان های سیاسی اقشار بینابینی

ادب طرفداران "عدالت اسلامی" بیشتر سیاستمداران و روحانیون پیرو آیت **دربار پیروان آیت الله خمینی** - صرف نظر از جناح راست پیروان - ملاک آنان - از نظر پایگاه طبقاتی و گرایش های عام ملی و دموکراتیک، و سمت‌گیری سیاسی در سالهای پیروزی و گسترش و ژرف شدن انقلاب، سخن گویان منافع اقشار میانه جامعه ایران - روشنفکران مذهبی و به ویژه دهقانان و کسبه و پیشه وران میانه حال که با ساختارهای سنتی تولید و توزیع پیوند داشتند، بودند بسیاری از رهبران برجسته روحانی این جناح، از جمله آیت الله مطهری، آیت الله بهشتی، حاجت الاسلام با هنر و هاشمی رفسنجانی از سالها پیش از انقلاب بهمن، خارج از سازمان سنتی روحانیت به حرفه های روشنفکری اشتغال داشتند. آنان طی سالیان مبارزه با رژیم شاه و همکاری با شخصیت ها و نیروهای دموکراتیک انقلابی، دکتر شریعتی، آیت الله طالقانی و رهبران سازمان مجاهدین خلق، و نیز آشنایی با مبارزان حزب توده، ایران در زندانهای شاه، کم و بیش تحت تأثیر این نیروهای انقلابی پیگیری بودند.

نظریات آید تلوژیک و سیاسی آنان، به طور عمده حول محوری که به قول آیت الله بهشتی، "خط انقلاب" و "خط ضد امپریالیستی" ضد فئودالی و ضد سرمایه داری بود، شکل می گرفت. در نظریات آیت الله مطهری، مجموعه پانسیه منسجمی از نظریات اقتصادی ضد سرمایه داری وجود دارد. کار پایه سیاسی اصلی آنان قانون اساسی بود که بخش های مهمی از آماج های انقلاب در آن بازتاب یافته بود.

نقطه ضعف آید تلوژیک اساسی آنان، گرایشهای قشری به استقرار نهاد های استبدادی و ارتجاعی در نظام سیاسی و قضایی و اجتماعی جامعه بود که سوظن و مخالفت شدیدی نیروهای انقلابی و دموکراتیک پیگیر را برمی انگیزد و مطنع اصلی در راه

"راه توده" برای آشنایی بیشتر خوانندگان خود با مضامین تخصصی به شرح هر کمیته مرکزی حزب توده، ایران، طی سلسله مقالاتی به تشریح این مضامین پرداخته است. در مقالات گذشته بررسی آماج های انقلاب بهمن و درجه تخصصی آنها، و برخی تحولات طبقاتی در جامعه ایران را به پایان رساندیم و در ادامه این بحث دیگر تحولات طبقاتی، افراز و تشبیه انقلاب، هر چه به راست حاکمیت و دلایل آن، ترکیب کتبی حاکمیت، وظایف حزب ما را از دیدگاه پلنوم جدید کمیته مرکزی حزب توده، ایران بررسی خواهیم کرد.

اقشار بینابینی

خرده بوروازی شهری

طبق گسترده های که در یک سوی آن پیشه وران و کاسبکاران مرفه، و در سوی دیگر آن توده زحمتکشان تهیدست، و حاشیه نشینان شهرها قرار دارند، نقش مهم و بسیار فعالی در تظاهرات، اعتصابات مسالمت آمیز و خشونت آمیز و قیام پیروزند بهمن ایفا کردند و پس از انقلاب نیز بخش وسیعی از جمعیت فعال انقلابی در شهرها را تشکیل می دادند.

تولیدکنندگان و توزیع کنندگان کوچک که بر اثر سیاست ضد ملی اقتصادی در های باز رژیم شاه و تورم شتابان ناشی از آن، اختناق و فشار ساواک، رشوه گیری و غارت مالیاتی که در جریان به اصطلاح مبارزه با گران فروشی به اوج خود رسید، تحت فشار شدید قرار گرفته بودند، هر روز بیشتر به سوی همیان علیه رژیم شاه کشانده شدند. (گزارش هیأت سیاسی به پلنوم شانزدهم - اسناد و اعلامیه ها ص ۵۴) - افزایش سریع جمعیت شهرهای ایران در سالهای آخر حکومت شاه، از جمله به حساب افزایش چشمگیر شمار تهی دستان و حاشیه نشین شهرها - که هیچ گونه آینده روشنی پیش روی خود نمی دیدند، تأمین شد. بحران اقتصاد کشاورزی این توده را از روستا کنده و به شهرها کشانده بود، بی آنکه رشد ناموزون و انگلیسی صنعت وابسته در شهرها، امکان کار و ارتزاق دائمی برایشان فراهم آورده باشد - بخش بزرگی از این گود نشینان و زانده نشینان که یا دستفروشی و کارگری فصلی امرار معاش می کردند، مصلحت های خیزده سوزایی و نیمه پرولتری پیدا می کردند - بخش هایی به سقیف لومین پرولتاریا می پیوستند، بسیاری از آنان هم چنان بسا زندگی دهقانی در ارتباط بودند.

دهقانان به شهر آمده که به تعداد صدها هزار در گودالها و زانده ها و کلیه های گلی در "حلبی آباد" ها و "زورآباد" ها و یا در زیر چادر بسا در ذنک ترین شرایط فقر و محرومیت به سر می بردند و می برند و اکثر با توسل به اشتغالات فصلی نانی به دست می آورند، بخشی از مبارزان جنبش ملی و دموکراتیک را تشکیل می دهند. (اسناد پلنوم شانزدهم - همانجا - ص ۵۳)

در سال های پیروزی انقلاب در حالی که لایه های از سرمایه داران کوچک و کسبه و پیشوران شروحنده که اعتبارات دولتی و لایه های دولتی توزیع و تهیه مواد خام دسترس داشتند، به منافع قابل توجهی دست یافتند، وضع توده پیشه وران و کسبه ایران و تهی دستان حاشیه نشین شهرها به هیچ وجه بهبود نیافته است. تورم ریز افزون و بحران رشد ابر اقتصاد، بر دشواری آنان سنگینی می کند، و صرف نظر از بخش هایی از آنان که به صورت مزد بگیر در نهاد ها و بنیاد های مختلف و به ویژه در سپاه و ارگان های سرکوب گر رژیم جذب می شوند، توده اصلی هم چنان در نهایت استیمنه سال میان راه، عذاب شدن به شعارهای عوام فریبانه رجوع، و یا تعمیق گرایشهای ریشهای انقلابی سرگردانند.

تظاهرات و حرکت های خود جوش مردمی در میان زحمتکشان شهرها در ماه های اخیر، از جمله تظاهرات گسترده بوخونین افسریه تهران در تابستان ۶۲، تکایت از گسترش بی سابقه نارضایتی و گرایش به مقاومت در میان آنان دارد.

توده روشنفکران ایران، آموزگاران، کار -

روشنفکران

مندان بخش دولتی و خصوصی، افسران و رده داران، پزشکان و کلای دادگستری، دانش آموزان و دانشجویان و اساتید دانشگاه ها و دانشمندان و هنرمندان و روشنفکران مذهبی و روحانیون، با همان سردگی که اغلب انقلابهای رهایی بخش دوران ما دیده می شود، در انقلاب بهمن شرکت کردند. در این میان پیروژه باید به نقش پراهمیت دانش آموزان بیروستانی و دانشجویان اشاره کرد.

روشنفکران ایران، صرف نظر از بخشی که به صورت قشر بوروکراتیک - نظامی رما یعداری وابسته در برابر انقلاب قرار گرفتند، نقش چشمگیری در بردن آگاهی

ایران در انقلاب بهمن

ق گرایش های ضد امپریالیستی و مردمی آنان بود .

پس از سرنگونی بنی صدر ، از میان این گروه برخی شخصیت ها و سیاستمداران شدند که تحت لوای جستجوی " راه سوم " میان سرمایه داری و گرایش های ایتیک ، به تدارک سازش با امپریالیسم و جناح راست پیروان آیت الله خمینی - دگان نوبن کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی - پرداختند . این گروه که نماینده ر مرفه خرده بورژوازی و سرمایه داران کوچک بودند ، به طور عمده در حزب ج ۱۰ - ده و تحت رهبری رئیس جمهور خاتمی فعالیت می کردند . آنان بعد ها به " تسلیم طلبان " معروف شدند .

آیت الله خمینی که در سالهای نخست شکل گیری و پیروزی انقلاب ، از نظر می و تشکیلاتی به طور عمد از جناح چپ پیروان خود پشتیبانی می کرد ، از سال اشکارا به تقویت و پشتیبانی جناح راست و میانه (تسلیم طلب) پیروان پرداخت .

نقش تعیین کننده ضعف های مجموعه این نیروها ، در به شکست کشاندن س در دستور آورنده به تصمیم بررسی می شود . در این جا یاد آوری می کنیم که می که در اسناد حزبی از " حاکمیت " یا " روحانیت حاکم " یاد می شود ، منظور به پیروان آیت الله خمینی همراه با روحانیون و مراجع تقلید سازشکار و حجتیه ست که آنان نیز همواره در حاکمیت حضور داشته اند ؛ و پیش از این نقش آنان می شد :

" پلنوم بر آنست که روحانیت حاکم ، نه نماینده یک قشر معینی از طبقه معین ، نمایند قشرهای گوناگون طبقات و لایه های مختلف جامعه از کلان سرمایه داران و مالکان گرفته تا بورژوازی متوسط و کوچک و خرده بورژوازی است " (اسناد م هجدهم - ویژه نامه " راه توده " - ص ۷) .

۱- شخصیت ها و گروه های کوچک دمکرات و انقلابی

در میان گروه ها و شخصیت های برجسته ملی و دمکراتیک ، که نفوذ قابل توجهی در نیروهای انقلابی داشتند ، از دکتر شریعتی و آیت الله طالقانی فقید و گروه ای مسلمانان مبارز (امت) می توان نام برد که در نظام نظریات آنان گرایش روشنفکرانه دمکراتیک و انقلابی غالب است . از بسیاری از روشنفکران دمکرات و که در سازمان های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی مختلف فعالیت می کردند نیز همین ردیف می توان نام برد .

گروه ها و سازمان های انقلابی دمکراتیک " چپ رو " چون سازمان چریک های ملی خلق (اقلیت) و " راه کارگر " نماینده جناح چپ روشنفکران انقلابی ایران (ر ک) اسناد پلنوم هجدهم (گروه ها و سازمان های مائوئیستی و " چپ " که تأثیر مخرب عینی در گسترش و زرفش انقلاب باقی گذاشتند ، بخشهای حاله یافته و پتیا شده و به بن بست رسیده این روشنفکران را نمایندگی می کردند .

سازمان مجاهدین خلق ایران

در میان طیف سازمان ها و جریان های ملی و دمکراتیک که از دهه چهل تحت " اسلام انقلابی " در جامعه ایران شکل گرفتند و تکامل یافتند ، سازمان هدین خلق ایران ، به عنوان نماینده برجسته جناح چپ دمکراسی انقلابی

ن ، همواره وزن و اهمیت ویژه ای داشته است . بنیان گزاران سازمان مجاهدین ، از همان آغاز فعالیت خویش ، با شهامت و صراحت تمام ، هم چون دیگر دمکرات های انقلابی پیگیر دوران مساد ر سر جهان ، سوسیالیسم علمی را به مثابه اسلوب شناسایی طبسی بدین فرمتند ، و آن را در تدرین ایدئولوژی و در پراکتیک انقلابی می به کار گرفتند ، و طی سالهای نبرد قهرمانانه با رژیم شاه به آن وفادار ماندند . سال های شکل گیری ایدئولوژی مجاهدین ، سالهای رواج مائوئیسم و گرایش " چپ نو " در ایران بود . از این رو ایدئولوژی و نظریات و برنامه های مان مجاهدین خلق از آغاز ، نه تنها حامل گرایش های لیبرالی و سکتاریستی و راجیوانه معمول در همه جریانهای انقلابی دمکراتیک چپ بود ، بلکه بخش های تا منسجمی از نظریات مائوئیستی و " چپ نو " را - به عنوان سوسیالیسم - در خود جایگزین کرده بود . مجموعه این گرایشها ، بعدها در سازمان کرد و به پیوند های سازمان با جریانهای ملی و ضد دیکتاتوری در میان پیروان آیت الله خمینی - که طی سالهای طولانی همکاری مبارزاتی با مجاهدین خلق به

شدت تحت تأثیر سازمان مجاهدین قرار داشتند - لطمه زد . پس از کودتای گروه مائوئیستی در سازمان مجاهدین خلق - که به موضوع خویش مورد اعتراض شدید حزب توده ، ایران قرار گرفت - شکاف میان سازمان مجاهدین و گرایشهای ملی و مردمی در میان پیروان آیت الله خمینی گسترش یافت . سیاست سکتاریستی سازمان مجاهدین در قبال پیامد های این تفرقه افکنی خرابکارانه ، و سپس در جریان سالهای پس از انقلاب بهمن ، در جدایی مصنوعی سازمان مجاهدین خلق ایران از روند تکامل و زرفش انقلاب نقش داشت .

این مسایل پایه عینی سو تقاضات تحقیر طلب میان حزب توده ، ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران بود که پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ، ایران آن را " به زبان نهضت ضد امپریالیستی مردم میهن ما " ارزیابی و خواستار " تجدید نظر مثبت در این روابط " شده است . (اسناد پلنوم هجدهم - همانجا ص ۹) امروز در جریان زوال انقلاب بهمن ، بار دیگر شرایط تاریخی ویژه ای فراهم آمده است که طی آن سازمان مجاهدین خلق ایران ، به مکان و نقش شایسته خویش در روند تکامل انقلاب شکوهمند بهمن دست یابد .

طبقه کارگر

جنبش اضمحالی توده گیر و توانمند طبقه کارگر ایران ، به ویژه پرولتاریای صنعتی ایران (ر ک) اسناد پلنوم هجدهم - همانجا - ص ۷) ، ضربه اصلی و کاری را بر دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم وارد آورد :

" نیا اطمینان می توان گفت که در میان نیروهای محرکه انقلاب کنونی کشور ما نقش طبقه کارگر قهرمان ایران نقش درجه اول بوده است . این امر خود از ضامن های مهم گسترش بازهم بیشتر انقلاب ملی و دمکراتیک و تصحیح آن در جهت خواست های قشرهای وسیع مردم است (گزارش هیأت سیاسی به پلنوم شانزدهم - اسناد و اعلامیه ها - ص ۵۶) -

طبقه کارگر ایران ، هم اکنون نیز به عنوان یک نیروی بالنسبه متشکل که سمت گیری نهائی اش از اهمیت سیاسی فراوان برخوردار است ، در صحنه نبرد انقلابی حضور فعال دارد . جمعیت طبقه کارگر ایران ، به سبب اشکال در محاسبه شمار کارگران فصلی و ساختمانی و کارگران کشاورزی و کارگاه های کوچک سرمایه داری و پیشه وری بین ۵ - ۳ میلیون تخمین زده می شود که بیش از نیم میلیون نفر از آنان پرولتاریای صنعتی محسوب می شوند .

بخش اعظم کارگران ایران ، دهقانان و زحمت کشان تپه دستی بوده اند که در دهه های چهل و پنجاه به صفوف طبقه کارگر پیوسته اند . بسیاری از آنان هنوز با تولید کشاورزی و پیشه وری پیوند دارند . سنت های مبارزاتی آنان اغلب سه سال های پنج ساله ، سالهای آغاز گسترش بحران منتبسی به سرنگونی شاه و دوران انقلاب باز می گردد . در این سالها مبارزات طبقه کارگر ایران به طور عمده به صورت خود به خودی و تحت رهبری نیروهای غیر پرولتاری صورت می گرفت . این عوامل موجب ضعف نسبی آگاهی سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر ایران بودند که خود به خود به آنجا انجامید که این طبقه پیش از انقلاب ، در حاکمیت برآمده از قیام بهمن نماینده های نداشته باشد .

با همه اینها جنبش اضمحالی فراگیر طبقه کارگر نقش تعیین کننده را در پیروزی انقلاب ایفا کرد ، و پس از آن نیز نقشی که کارگران ایران در تثبیت و تحکیم دستاورد های انقلاب ، راه اندازی کارخانه ها و حضور سیاسی در خیابانها و شرکت در دفاع ملی در برابر هجوم نظامی عراق به تحریک امپریالیسم ، و مبارزه سازمان یافته با جناح ارتجاعی حاکمیت ایفا کردند ، آنچنان چشمگیر بودند که همگان آنان را به شایه " ستون فقرات انقلاب " به رسمیت شناختند .

سازمان های صنفی و سیاسی طبقه کارگر و گسترش مبارزات کارگران

در حال حاضر در جریان تشکیل صنفی کارگری عمده در ایران وجود دارد . نخست جریان تشکیل صنفی صنفی " هبستگی " تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر که علی رقم سرکوب ارتجاع هم چنان زنده است و به مبارزه ادامه می دهد ، این جنبش در سالهای زرفش انقلاب در میان کارگران صنوف گسترش یافت اما در میان کارگران کارخانه ها هنوز محدود بود .

زنان مرفی سراسر جهان برپایی دادگاههای نظامی و پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک زندانیان سیاسی مرفی در ایران را محکوم می کنند

همبستگی نیروهای مرفی در سراسر جهان با زنان دمکرات در بند ایران، هر روز عرصه تازه‌ای می‌یابد. سرنوشت زنان مرفی زندانی که اکنون در شرایط سخت و زیر فشار و شکنجه زندانیان ج ۱۰ قرار دارند نگرانی و اعتراض نیروهای مرفی جهان را برانگیخته است. آنان نمونه رفتار رژیم ج ۱۰ را با زنان، در عرصه اجتماع به اصطلاح آزاد ایران به عنوان امری قابل تعمیم به سياهچالهای ج ۱۰ تلقی می‌کنند و به درستی برحق رسیدگی به وضع آنان و بررسی شرایط حقوقی زنان دربند پای می‌فشارند. به گوشه‌ای از این ابراز همبستگی ها و اعتراضات توجه کنید:

اسپانیا

در مراسمی که در روزهای ۱۶ و ۱۷ دسامبر (۲۵ و ۲۶ آذر)، از طرف "حزب ناسیونالیست چپ" در بارسلن برگزار گردید، سازمان "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در اسپانیا نیز شرکت داشت. طی این روز افراد مرفی که در مراسم حضور یافتند، از غرفه تشکیلات بازدید به عمل آورده و با امضای کارت‌های اعتراضی، یازداشت و شکنجه زنان مبارز ایران را محکوم کرده و آزادی آنان خواستار شدند.

فرانسه

خانم آنی پروژه دبیر کل "اتحادیه زنان فرانسه"، نگرانی عمیق خود و زنان مرفی این کشور را نسبت به سرنوشت زنان دمکرات زندانی در ایران از طریق ارسال نامه‌های خطاب به کلید شسون، وزیر امور خارجه و میشل شواردر دبیر کل سازمان حقوق بشر در فرانسه ابراز و از آنان تقاضا کرده است، به این مسأله رسیدگی فوری نمایند. آنی پروژه، خواسته است که جهت اطلاع از وضع زندانیان و به ویژه فعالین "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، اقدامات لازم برای عزیمت هیاتی که وضع آنان را از نزدیک بررسی نماید، به عمل آید.

وزیر امور خارجه، در پاسخ نامه‌ای به خانم آنی پروژه ارسال داشته و متذکر شده است که در این زمینه، اقدام خواهد کرد و دبیرکل سازمان حقوق بشر در فرانسه، نیز اطلاع داده که نامه اعتراضی را به فدراسیون جهانی حقوق بشر تحویل و در انجام تقاضای زنان مرفی فرانسه، کوتاهی نخواهد کرد.

● به دنبال انتشار فراخوان "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، در رابطه با برپایی دادگاه‌های نظامی علیه میهن دوستان ایرانی و اعضای حزب توده ایران و ابعاد آن که توطئه

شوم ارتجاع و امپریالیسم به منظور سرکوب نیروهای مرفی در میهن ما با تشکیل این دادگاه‌ها کسب می‌کند، نهاد‌های دمکراتیک، سازمان‌های زنان و شخصیت‌های مرفی به اقدامات سریع جهت قطع محاکمات و نجات متهمان از دام این توطئه، دست زدند. از جمله این نهادها:

"اتحادیه ملی زنان فرانسه" در استان بوش درن - مرکز ماری است - که طی مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰ در ایسن کشور در تاریخ ۹ دسامبر (۱۸ آذر) برگوازی جلسات غیر علنی محاکمات را محکوم کرده، تأمین حقوق قانونی متهمان را خواستار گردیده است.

آلمان فدرال

کمیته زنان خارجی و آلمانی در فرانکفورت - آلمان فدرال - در این رابطه، به مخابره تلگرامی خطاب به مقامات حکومتی و مجلس شورای اسلامی ایران مبادرت ورزیده و ضمن



گناه خریشا و زنان ما میهن پرستی واقعی آنها است!

محکوم کردن برپایی دادگاه‌های درستی نظامی برای افرادی که سالیان سال در استقلال و آزادی میهن و پیشبرد منافع زحمتکشان مبارزه کردند، آزادی آنان و سایر دمکرات‌های دربند و انجام محاکمات به صورت علنی با شرکت ناظران بین‌المللی را خواسته گردید هاند.

کمیته همچنین قطع فوری شکنجه زندانیان را به دست درخیمان رژیم ج ۱۰ و بررسی وضع آنان را از طرف پزشکان و حقوقدانان بین‌المللی طلب کرده است.

اتریش

"گروه کار زنان نسل جوان، مربوط به خزن سوسیالیست اتریش" در وین، طی ارسال نامه به مقامات حکومتی ج ۱۰، نقشی را که زنان قهرمان ایران با فدکاری و ایثار بی نظیر در پیروزی زسندن انقلاب میهن ما ایفا کردند، بشمرده و تأثر و نگرانی عمیق خود را نسبت به رفتاری که اکنون در مورد این زنان اعمال می‌شود ابراز کرده هاند. آنان قید کرده هاند که بازداشت شکنجه زنانی که گناهی جز مبارزه در راه استقلال کشور و پیروزی وضع زحمتکشان ندارند، توهین به مردم و به انقلاب ایران است. آنها خواستار شد هاند که به وضعیت جسمی و شرایط حقوقی زنان زندانی رسیدگی شود؛ مفاد صرحه دکتوانسیون بین‌المللی حقوق بشر، در مورد آنان اجرا شود و همگی آنان از زندان آزاد گردند.

● اتحادیه زنان دمکرات اتریش در زالسبورگ از طریق ارسال نامه به سفارت ج ۱۰ در وین، ۲۳ دسامبر (۲ دبی) مراتب نگرانی خود را نسبت به رویداد‌های اخیر کشور ما یعنی غلبه راستگرایان در حاکمیت و سرکوب نیروهای مرفی به خاطر پیش برد اهداد ارتجاسی سردمداران حکومت، ابراز داشته و ب نام زنان دمکرات اتریش، شکنجه و حیسانسه اعضای حزب توده ایران و محاکمه آنان را سر پایه "اعترافات" به دست آمده زیر شکنجه محکوم کرده است.

اتحادیه همچنین خواسته است که محاکمات به صورت علنی و با حضور ناظران بین‌المللی انجام گیرد؛ موازین حقوقی بشر در مورد متهمان رعایت شده و شکنجه زندانیان پایان پذیرد. اتحادیه زنان دمکرات، در پایان، ضمن ابراز همبستگی عمیق خود با زندانیان توده‌ای و سایر دمکرات‌های دربند، آزادی فوری آنان و بازشناختن حقوق حقه انسانی را در مسرد ایشان طلب کرده است.

مردم مترقی جهان صدور احکام علیه...

بقیه از صفحه ۳

شود را به گوش شرکت کنندگان و مهمانان کنگره رسانند .
 در این کنگره ، بیانیه‌ای در همبستگی با حزب توده ، ایران صادر شد .
 در این بیانیه که اعمال غیرقانونی ایذا و شکنجه وحشیانه و نقض حقوق بشر علیه زندانیان توده‌ای و سایر نیروهای میهن دست محکوم شده مبارزه حزب توده ، ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع مورد تجلیل قرار گرفته و آزادی فوری توده‌ای‌های در بند خواسته شده است .
 متن این پیام و هیأت‌های اعضا کننده در ذیل درج می‌گردد :

«بیانیه»

ما نمایندگان اتحادیه‌های کارگری شرکت کننده در سی و دومین کنفرانس اتحادیه‌های کارگری سراسری هند که از پانزده تا بیست و سه دسامبر ۱۹۸۳ در شهر بنگلور برگزار گردید ، اعمال غیر-قانونی جیب ، ایذا و شکنجه ، وحشیانه و نقض حقوق بشر علیه زندانیان توده‌ای و سایر نیروهای میهن پرست را محکوم می‌نمائیم .
 حزب توده ، ایران از بد وجودیت خود بر علیه امپریالیسم و دیکتاتوری مبارزه کرده ، از استقلال ملی میهن دفاع نموده و پرچمدار آزادی و حقوق اجتماعی مردم ایران بوده است .
 حزب توده ، ایران در انقلاب ضد امپریالیستی فوریه ۱۹۷۹ مردم ایران ، مجدداً شجرت جسته و با همه هستی خود از دستاوردهای انقلاب دفاع نموده است .

درخواست :

- ۱- محاکمه کادرها و اعضای حزب باید علنی و قانونی و مطابق موازین بین‌المللی صورت گیرد .
- ۲- جمهوری اسلامی ایران باید پسه یک هیأت ناظر بین‌المللی اجازه دیدار با رهبران و اعضای زندانی حزب توده ، ایران را بدهد تا مردم جهان دریابند که این " اقلیر " چگونه گرفته شده‌اند .
- ۳- سرکوب وحشیانه و بربرمنشانه حزب توده ایران و سایر نیروهای میهن دوست باید فوری متوقف شود .

امضاء کنندگان

- نماینده مرکز اتحادیه‌های کارگری کوبا
- نماینده فدراسیون اتحادیه‌های کارگری ویتنام
- نماینده شورای مرکزی اتحادیه کارگری افغانستان
- نماینده اتحادیه ملی کارگران صنایع نوشابه سازی مالزی
- نماینده اتحادیه کارگری و خدمات مربوطه فیلیپین
- نماینده اتحادیه کارگری بنگلادش
- نماینده هیئت رئیسه شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری مغولستان
- نماینده اتحادیه‌های کارگری فرانسه
- نماینده کشورهای مرکزی اتحادیه‌های کارگری اتحاد جماهیر شوروی

آمریکا

پس از اعلام خیر شروع محاکمه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ، ایران ، هواداران حزب توده ، ایران در آمریکا تظاهراتی در روز ۹ دسامبر ، مقابل ساختمان سازمان ملل متحد برپا کردند .
 تظاهرکنندگان پلاکاردهایی حمل می‌کردند که در آن اعمال غیرقانونی و غیرانسانی حکام ارتجاعی در ایران محکوم شده و از سازمان های بین‌المللی خواسته شده است تا این صدای اعتراضی را به گوش جهانیان برسانند .
 در این تظاهرات دوستان آمریکائی ، شیلیائی و گویائی حزب و انقلاب ایران نیز شرکت داشتند .



تظاهرات اعتراضی در مقابل سازمان ملل متحد

ماوقانون کار

مقدمه

مقدمه در حقیقت توضیح سمت گیری اساسی قانون کار و توجیه اهداف آن است . در این قسمت :

— باید تصریح گردد که سمت گیری اساسی قانون کار ، عبارت است از دفاع از حقوق کارگران در مقابل استثمار سرمایه داران و ظلم و تعدی کارفرمایان .

— باید تصریح گردد که مقام واقعی طبقه کارگر در جامعه به رسمیت شناخته می‌شود . طبقه کارگر ایران یکی از مهم ترین نیروهای محرکه انقلاب بهمن بود و توانست با اعتصابات گسترده و سراسری خود ضربه کاری بر رژیم ستم شاهی وارد آورد . طبقه کارگر ایران سهم بزرگی در پیروزی انقلاب بهمن دارد . این سهم باید در قانون کار مورد احترام قرار گیرد و تثبیت شود .

— باید تصریح شود که این قانون کار با استناد به اصول مترقی قانون اساسی ، مانند اصول ۲۶ ، ۲۹ ، ۱۰۴ ، تدوین شده و قانونیت بیابد .

اصول کلی

— حق تشکیل صنفی مستقل کارگران اعم از شوراهای کارگری ، سندیناها یا انجمن های قانونها ، بدون دخالت مقامات دولتی یا نیمه دولتی ، با اتکا به اصل ۲۶ قانون اساسی .
 بقیه در صفحه ۱۵

سوسیالیستی • دبیر کل اتحادیه بین‌المللی کارگران حمل و نقل • ریاست بخش صنعتی چکسلواکی • دبیر بخش صنعتی چکسلواکی • دبیر کل فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری • ابراهیم ذکریا • نماینده فدراسیون اتحادیه‌های کارگری کامپوچیا • نماینده فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سریلانکا • دبیر کل اتحادیه های کارگری سوریه

تدوین يك قانون کار مترقی و انقلابی یکی از مهم ترین خواست های کارگران پس از انقلاب بوده است . حاکمیت ج ۱۰ نه تنها هیچگاه در این جهت قدم شایسته برنداشت ، بلکه طرفداران سرمایه داری افسار گسیخته نیز اجازه داد تا در سال قبل ارتجاعی ترین طرح را برای قانون کار عرضه کنند . این اقدام ارتجاعی با مقاومت سرسختانه طبقه کارگر ، تحت رهبری عملی حزب توده ، ایران با شکست مواجه شد . پس از آن بنابر اصرار کارگران بر تدوین " قانون کار جدید " با مشارکت نمایندگان واقعی آنها ، این مسئله سکوت گذارده شد .

اکنون ، مجدداً زمه‌هایی به گوش می‌رسد مبنی بر اینکه طرح جدید قانون کار در دست تهیه و ارائه به هیئت دولت است . این بار نیز به خواست کارگران توجه شده است و نمایندگان واقعی آنها در تدوین این طرح سهم نیوده‌اند . حتی در مورد انتشار آتی این طرح در جراید رسمی کشور نیز ، مسئولین وزارت کار شك دارند . ما لازم می‌بینیم برای آشنایی هر چه بیشتر کارگران با نظرات حزب توده ، ایران ، مختصات قانون کار مترقی و انقلابی را در اینجا به اختصار بیاد آور شویم .

ما معتقدیم که قانون کار باید از سه بخش ، مقدمه ، اصول کلی و اصول اختصاصی تشکیل شود .

در هفته ای که گذشت:

مردم بی دفاع قربانی سیاستهای جنگ طلبانه ج.ا. و دولت عراق

دور جدیدی از مسابقه سران و رهبران ایران و عراق بر سر کشتار مردم زحمتکش دو کشور آغاز شده است. به دنبال تهدیدات حکام ج.ا. مبنی بر "یکسره کردن کار جنگ"، دولت عراق در روزهای اخیر اعلام کرده که به تلافی ایمن تصمیحات شهرهای کرمانشاه، دزفول، اندیشک، شوش، هواز، آبادان و ایلام را هدف حملات موشکی و هوایی قرار می دهد و به اهالی این شهرها توصیه کرده، هر چه زود تر خانه های خود را ترک گویند.

میرحسین موسوی، نخست وزیر ج.ا. متقابلاً با صدور بیانیهای اعلام کرده که:

"در صورت اجرای تهدیدات جدید صدام همه تأسیسات صنعتی عراق، هدف مستمر رزمندگان خواهد بود."

به دنبال این اظهارات، دولت عراق نیز در بیانیهای جنون آمیزی پاسخ می دهد که علاوه بر ۷ شهر مذکور ۴ شهر دیگر را نیز هدف حملات موشکی خود قرار خواهد داد.

طولی نکشید که خامنهای، رئیس جمهور ایران، از این سخنان دولت عراق به خشم آمده جهان مردم را وثیقه اهداف توسعه طلبانه خود قرار داده می گویند:

"ما از این به بعد مقابل به مثل خواهیم کرد و اگر آنها شهرهای ما را هدف قرار دهند، ما نیز سه شهر مندلی، خانقین و بصره را نابود خواهیم کرد."

فردای آن روز آقای هاشمی رفسنجانی تأکید کرد:

"اخطاری که دیشب از سوی ریاست جمهوری اعلام شد، آغاز کار است. مسئله به سه شهر عراق، خاتمه پیدا نمی کند و اگر صدامیان دست به ماجراجویی بزنند، خواهند دید که در هیچ جای عراق جای امنی وجود ندارد جز کربلا، نجف، کاظمین و خانقاه که برای ما تقسید مس ضاع دارند."

رهبران ج.ا. برای رسیدن به اهداف توسعه طلبانه خود مردم را به وسیله واهرم اجرای این سیاست شوم بدل کرده و بر آنان حکم می رانند که "ملت ایران باید آماده باشند و حرف آخر خود را بزنند" (خامنهای - نماز جمعه - ۱۴ بهمن ۶۲).

مردم رنج دیده میهن ما و به خصوص ساکنین

مناطق جنگی که در زیر فشار و اثرات ویرانگر و طاقت فرسای این جنگ بی سرانجام به جان آمده اند، در بریا زود قطعی ترین نقش را در جلوگیری از این سیاست شوونیستی و عظمت طلبانه حاکمیت ایفا خواهند کرد. آنها از این سیاست که چیزی جز کشته و زخمی شدن هزاران نفر، فریه شدن کلان سرمایه داران، فزونی اقتصاد و مسخ انقلاب به ارمغان نیاورده است، ناراضید و بنا راهپیمایی ها و اعتراضات گوناگون مخالفت های خود را ابراز می دارند. پهنه شده نیست که نخست وزیر ج.ا. تلویحاً به این امر اشاره کرده و می گوید:

"امروز لازم است آهنگ رفتن نیروهای مردمی به جبهه ها بیشتر شود!"

و آیت الله منتظری نیز بر این مسئله تأکید می کند که:

"این روزها کرارا از جبهه ها خبر می آید که نیاز به برادران روحانی زیاد است."

از سوی دیگر و به موازات اعتراضات گسترده مردم که حتی در سخنان رهبران ج.ا. نیز مشهود است، نیروهای ترقی خواه و دمکراتیک جهان نیز بر پایان جنگ اصرار می ورزند.

خانم گاندی که ریاست جنبش عدم تعهد را بر عهده دارد، در هفته گذشته، در دیدار با دبیر کل جامعه عرب، بار دیگر خواستار قطع جنگ و حل اختلافات از طریق مذاکره شد. اما علی رغم اعتراضات مردم ایران و جهان رهبران ج.ا. همچنان با نادیده گرفتن این خواست مبرم، به قدرت نمایی و تهدیدات جنون آمیز خود ادامه می دهند و از کشتار مردم بیگناه و ویرانی هر چه بیشتر کشور ابائی ندارند.

ج.ا. باز هم به آمریکا باج می دهد

روند نزدیکی هرچه بیشتر سردمداران ج.ا. به امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، هر روز با بندهای تازه تری، استحکام می گیرد.

در پی پرداخت های ۲۶ میلیون دلاری ایران به امپریالیستهای آمریکایی به بهانه "خرسارت ناشی از اشغال سفارت آمریکا" و اریز کردن ۴۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به حساب بانک صادرات و واردات آمریکا - و بانکهای دیگر - تحت عنوان "بدهی" و صدور رأی محکومیت ایران از جانب دادگاه بین المللی لاهه مبنی بر پرداخت ۸۲ میلیون و پانصد هزار دلار بیه انحصارات آمریکایی، و پولود دیگری که میزان غرامت پرداختی ج.ا. به انحصارات آمریکایی را پنهان رقی بیش از ۸۹ میلیون دلار رسانده است.

روزنامه "فرانکفورتر روندشاو" در شماره ۷ ژانویه ۱۹۸۴ خود می نویسد:

"حکومت ایران بر اثر ملی کردن سرمایه های خارجی، ۳۴ میلیون دلار به انحصار آمریکایی "دوپون" - که بزرگترین سازنده مواد شیمیایی جهان است - خسارت وارد آورده است. این مبلغ در دادگاه لاهه تعیین شده است. گفته می شود که قریب ۳۵۰۰ شرکت خارجی دیگر که وضع مشابهی دارند، در انتظار رسیدگی به شکایاتشان در دادگاه لاهه به سر می برند. بدیهی است سردمداران ج.ا. که به هر "شرطی" تن در می دهند تا امپریالیستهای جهانی را متقاعد کنند با آنان سر "آشتی" دارند و اکنون با خضوع و خشوع در مقابلشان زانو زده اند، از پرداخت این "بالغ جزئی" پرهیز نخواهند داشت. تکین از اوامر و شروط امپریالیسم، سیاست روز حاکمان ج.ا. است و چنین تکنیکی، تسلیم مطلق بر آوردگان خواستهای امپریالیسم را در حاکمیت ج.ا. طلب می کند؛ این جبر وابستگی و منطق و نیروی "چمناق" آمریکاست."

دیگر دیر شده است

در آخرین روزهای اسفند سال گذشته، آیت الله موسوی اردبیلی طی صاحبه ای پرسرو صدا که مطبوعات با عنوان درشت "فردا دیر است" به چاپ رساندند، راه حلی برای مشکل مالک و مستأجر ارائه داد. وی گفت:

"تا زمانی که مشکل مسکن حل نشده و چنین بحرانی وجود دارد، پیشنهاد می کنیم مجلس شورای اسلامی تصویب کند که هیچ کس حق ندارد، بیش از یک مسکن معمولی در سطح شهرها داشته باشد و با این تعویب، می توان مسکن را از صورت کالای تجاری بیرون برد تا دیگر مورد تاخت و تاز سوداگران نباشد. اگر کسی در این ضرورت تردید دارد، لحظه ای در محاکمی که حکم تخلیه می دهند حاضر شود و صفوف طولانی مستأجرین را که با چشم گریان پیش قاضی التماس می کنند، ببینند سپس داوری کند" (۱۷ اسفند ۶۲).

از آن روز تا کنون، هر چند که زحمتکشان و بی سرپناهان در امر ضروری بودن حل مشکل مسکن مطلقاً "تربدنی" به خود راه نداده اند و هر روز در "صفوف طولانی"، به پیشگاه قاضی شرع می روند تا چند روزی اجرای "حکم تخلیه" را که بر اساس "قانون مالک و مستأجر" صادر شده، به عقب بیندازند، وضع بحرانی ترو تاسا - بساطان تر شده است. به ویژه مسئله تقسیم اراضی زمین شهری که به واسطه باند بازی های وابستگان "تعاونی سحر" متوقف شده، بر شدت و خامت اوضاع مسکن افزوده است.

واقمیت آنست که در کنار کلان زمین خواری باندهای با نفوذ در شهرداری تهران، قطعات بقیه در صفحه ۱۵

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

درفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۴

محدودی نیز در اختیار " واجدین شرایط " یعنی کسانی که به حق ، مستحق دریافت زمین بوده‌اند، قرار گرفت و اکنون با معلق مانسبدن وضعیت اراضی شهری ، بیشترین لطعات را می بینند .

آقای اکرمی ، نماینده کمیته آهنگ ، در نطق پیش از دستور مجلس در این رابطه می گوید :

" به شورای عالی قضائی عرض می کنیم که متأسفانه آن روز که باجد و جهد می شد جلوی تجاوز به اراضی زمین شهری در تهران گرفته شود ، کوتاهی شد و اکنون متجاوزان ۲۰/۰۰۰ پرونده روی دست شورای عالی قضائی باقی مانده است . عده ای از کسانی که زمین گرفته اند برای ساختن یک سر پناه ، آنچه را که داشته اند ، فروخته اند و به مقاطعه کاران (!!!) دادمانده اگر قرار شود دوسه سال طول بکشد تا تحقیق کنند و اجازه ساختن بدهند ، مستحقین زمین گرفته باید قسط بندی های خود را بپردازند و آخر سر مقدار آهین رنگ زده و آجر و سیمان و آهک از بین رفته تحویل بگیرند . شما را به خدا فکری بکنید ، برنامه های ضربتی و قاطعی برای حل مشکل اینان تهیه کنید " (اطلاعات ۳ بهمن)
در واقع به آقای اکرمی باید گفت : دیگر دیر شده است ! این مطلب را آن " مستضعفین " که همه آنچه داشته اند ، فروخته اند ، تا صاحب " آلونکی " باشند هم می دانند !

بزرگ " مالکان محترم " در کنار بازاربان محترم

این روزها دستور جلسه مجلس شورای اسلامی ، بررسی قانون انتخابات مجلس است . در بند ۳ صوبه مجلس ، در مورد کسانی که واجد شرایط انتخاب شدن نیستند آمده است :

" ملاکین بزرگ که زمین های موات را به نام خود ثبت کرده اند " .

مفهوم تبعی این بند آنست که نماینده زمین داران بزرگ داری اراضی دایر و مکانهایی می توانند همانند زمان ستم شاهی به مجلس راه یابند . تردیدی نیست که واعظین این قانون دقیقاً می دانند که هیچ یک از کلان زمین داران غاصب ما تمایلی به ثبت زمین های موات به نام خود نداشته اند و ندارند . نیازی هم به این کار نیست زیرا آنها بهترین زمین های آبی و مکانهایی را در اختیار دارند و از این رو بیشترین سطح کشت را به خود اختصاص داده اند .

تصویب این بند ، پس از دعوت بازاربان به مجلس ، تنها در راستای پرکردن جای خالی بزرگ زمین داران در مجلس ، در کنار خاموشی ها و پورا ستادها و " بازاربان " محترم است و پس !

ناگفته پیداست ، اعضای باز هم " محترم " شورای نگهبان ، با طیب خاطر این بند بسیار پسر معنار از " توشیح " خود می گذارند !

اکنون که کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان موفق شده اند سیاستهای خود را در تمام زمینه ها ، به سیاست حاکمیت بدل کنند ، اکنون که آنها توانسته اند با موافقت و به دست طرفداران قدیم " راه سوم " به سازمان های سیاسی و صنفی کاری را در سراسر کشور یورش آورند ، و حزب توده ایران را از جمله به جرم آینده نگری و پیش بینی نتایج شوم " راه حل های سرمایه داری " به محاکمه بکشند ، دیدن آگهی های استخدام مجتمع فولاد اهواز " که بیانگر راه اندازی دوباره این واحد بزرگ صنعتی با حفظ و تداوم وابستگی آن به انحصارات امپریالیستی است ، هیچ عجب نیست !

" مجتمع فولاد اهواز " استخدام می کند "

در هفته های اخیر آگهی های مکرر و طویل استخدام در مجتمع فولاد اهواز در روزنامه های مجاز ایران به چشم می خورد . این آگهی ها نیز یکی از نشانه های شکست خیال باقی های طرفداران " راه سوم " و پیروزی بیش از پیش هواداران احیای نظام سرمایه داری وابسته است .

در سال های اول پس از انقلاب که پیمانکاران شرایط را برای کسب سود های گزاف در بسیاری نقاط از جمله مجتمع فولاد اهواز ، ممکن نمی دیدند ، خود شعار تعطیل کار را مطرح کردند .

لیبرالها ، به ویژه به خاطر مخالفت با تشکیل های کاری که در مجتمع فولاد اهواز رشید چشمگیری داشتند ، با پیمانکاران هم صدا شدند . در آن زمان شکل های کاری در مجتمع فولاد اهواز قصد داشتند در راه کاهش و قطع وابستگی این واحد عظیم صنعتی به انحصارات امپریالیستی ، دست به اقدامات عظیمی بزنند . شور انقلابی کارگران و بسیاری از متخصصان متعهد ؛ و جو انقلابی حاکم بر کشور و شرایط مساعد بین المللی این امر را امکان پذیر می ساخت . مدافعان احیای سرمایه داری وابسته به این دلیل نیز قادر به تحمل شکل های کاری نبودند .

در این میان طرفداران " راه سوم " در حاکمیت که در جستجوی راه های " بدیع و نوظهور " بودند ، شعار " تعاونی کردن صنایع بزرگ " را مطرح ساختند .

حزب توده ایران ، در همان زمان هشدار داد که تعاونی کردن صنایع ، در عمل به خراب کاری در روند بازسازی صنایع ملی ، نابودی ثروت های مملکت ، ناراضی کردن کارگران و در نتیجه تضعیف انقلاب و سرانجام به پیروزی مدافعان راه سرمایه داری وابسته خواهد انجامید .

گذشت زمان درستی نظرات حزب توده ایران را نشان داد . مدافعان احیای سرمایه داری وابسته در سال ۶۰ - ۱۳۵۹ نزدیک به ۸۰۰۰ کارگر و متخصص را با استفاده از ماده ۳۳ قانون کار اخراج کردند و کارخانه را به تعطیل کشاندند .

ماو قانون کار

بقیه از صفحه ۱۳

— حق انعقاد قرارداد دستجمعی .
— برابری همه کارگران ، از زن و مرد ، پسر و جوان ، از هر نژاد و قوم و ملیت و مذهب .
— حق اشتغال برای همه افراد قادر به کار .

— حق برخورداری از تأمین اجتماعی .
— حق استراحت .
— حق مشارکت در برنامه ریزی اقتصاد کشور و اداره واحدهای تولیدی بر پایه اصل ۱۰۴ قانون اساسی .
— ضرورت برنامه ریزی نیروی کار اجتماعی .
باید تصریح کرد که این امر در برنامه ریزی اقتصادی کشور در نظر گرفته شود .

اصول اختصاصی

اصول اختصاصی باید در برگیرنده مباحث زیر باشد :

ساعات کار ، مرخصی ها ، دستمزد ، حقوق زنان ، حقوق کودکان ، تأمین اجتماعی ، بیمه بازنشستگی ، حفاظت و ایمنی کار ، حل اختلافات ، شناسنامه کار ، آموزش حرفه ای و طبقه بندی مشاغل و غیره . این اصول اختصاصی باید در چارچوب اهداف و سمت گیری های تعیین شده در مقدمه و بر پایه اصول کلی مشخص شوند . بنابراین واضح است که چنانچه مقدمه و اصول کلی نتواند پایه لازم و متناسبی را ایجاد کند ، اصول اختصاصی نیز نخواهد توانست محتوای صحیح و ضمانت کافی داشته باشد .

ناگفته پیداست که چنین قانون کار مرفقی و انقلابی ای ، نه می تواند بر مبنای قانون کسار شاهنشاهی تدوین شود و نه بر مبنای پیش نویس توکلی و شرکا .

ماد رأینده در این باره بیشتر صحبت خواهیم کرد .

پارتیزان های توده ای ..

بقیه از صفحه ۷

از پای درآمد . او که کاری کارگزار بود پیش از آنکه مدرسه را تمام کند ، دانشگاه جامعه را بسا فراست و قریحه سرشاری تجربه کرد . فقر و محرومیت علی را محکوم کرد تا سه فصل از سال را درس بخواند و تابستانها کار کند . خیاطی کرد ، آهنگری کرد ، حفاری کرد و هر کارشاق دیگری را بر گردن گرفت و بدین سان این آمیزه کار و دانش ، حقیقت زندگی و تلخی محرومیت ضیق تنی را با گوشت و پوست و استخوان خود احساس کرد .

— با این تجدید عهد که راه مقدس آنها را در کار و پیکار ، در عشق به مردم و کینه از خصم در سوختن و خاکستر شدن در شراره های ایمان و آرمان ، لحظه ای از یاد نبریم .

" مردگانی هستند که به تمامی از این جهان نمی روند " .
از آنان بیاموزیم . مرگ سرخ آنان چگونگی زندگی سرسبزشان ، حاصلخیز بود . در سنگ و یاد آنها اندوه را به نیرو بدل کنیم .

تحولات طبقاتی در جامعه...

بقیه از صفحه ۱۱

دوم شکل صنفی کارگری تحت عنوان "شوراهای اسلامی کارگری" که شکل عمده شکل کارگران ایران است. این جنبش نیز علی‌رغم گسترش خویش در سال‌های اخیر گیری مبارزات کارگران در میان کارگران کارخانه‌ها، هنوز از سازماندهی سلسله طبقه کارگر پرجمعیت ایران دور بود. حاکمیت و رهبری فیرکارگری شوراهای قضای حیاتی محدود و میدان مبارزه بسیار تنگی را به این جنبش تحمیل کرده‌اند و هم‌چنان تلاش می‌کنند که مضمون طبقاتی مبارزه آنان را دم به دم فقیرتر کنند، از دستاوردهای مبارزات آنان به سود خویش بهره برداری کنند، و سرانجام ایس‌ن شکل‌ها را به نهاد‌های نیمه دولتی و سیندیکاهای "زرد" تبدیل کنند.

پایه آید تلویریک تلاش‌های رهبری غیرپرولتاری انقلاب بهمن، برای خلع سلاح طبقه کارگران ایران، و محکم کردن زنجیرهای استثمار غارتگرانه سرمایه‌داری بردست و پای آنان انکار "تضاد طبقاتی" و ضرورت شکل صنفی و سیاسی مستقل طبقه کارگر در جامعه شعارهای عوام فریبانه مبنی بر وحدت مذہبی "امت اسلامی" بوده.

توکل، نماینده قرون وسطایی سرمایه‌داران ایران می‌گفت:

"اسلام تضاد طبقاتی را قبول نداشته، بلکه تعاون طبقاتی را قبول دارد (ج ۱۰، ۲۱ بهمن ۶۰).

و خامنای سرچمدار تسلیم زحمتکشان در برابر سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و امپریالیسم جهانی تکرار می‌کرد:

"ما با سازمانهایی که مبارزه طبقاتی را دامن می‌زنند مخالف هستیم. ما نمی‌خواهیم کینه طبقاتی تقویت شود، بلکه برعکس می‌خواهیم که طبقات با هم مدارا کنند" (نطق در کنگره شوراهای اسلامی - جراید).

هراس و وحشت نیروهای ارتجاعی از شکل مستقل صنفی و سیاسی کارگران تنها بد آنجا بود که دفتر سیاسی حزب ج ۱۰ در کشاکش مبارزه طبقاتی گسترده‌ای که برای پیشرفت انقلاب و ارتقای انقلاب سیاسی تا حد انقلاب اجتماعی در جریان بود اعلام کرد:

"گرایشات طبقاتی و صنفی و ایجاد محورهایی بر اساس لایه بندی‌های اجتماعی و اقتصادی از آفت‌هایی است که ممکن بود انقلاب اسلامی ما به آن مبتلا شود. این که جمعی به دفاع از خواسته‌ها و ملاحظاتی صنفی‌گرایانه بپردازند و در راه تحمیل خود و نظریات خود بر دیگران، حتی بدون در نظر گرفتن مصالح مجموع حرکت انقلاب اسلامی گام بردارند و بدین گونه مخاصمه و نیردی غیرواقعی در درون صفوف مردم به وجود آید و حاصلش تضعیف پایه‌های انقلاب، هرزبیدن نیروها، ایجاد فرصت‌هایی مناسب برای اشخاص و گروه‌ها باشد، خواست این نیروها بوده و هست" (روزنامه ج ۱۰، ۲۵ مرداد ۶۱).

با چنین استدلالی دفتر سیاسی ج ۱۰ هر گونه شکل صنفی و سیاسی مستقل را تکفیر و آن را "کفر آمیز" و "شرک آلود" قلمداد می‌کرد. با همه این فشارها و تلاش‌های ارتجاعی، مبارزات طبقه کارگر ایران، هم‌پا با گسترش و زوروش انقلاب تکامل یافت. یکی از برجسته‌ترین و پرخروش‌ترین فصول مبارزات طبقاتی در جامعه ایران در سال گذشته، مبارزه گسترده کارگران ایران با توکل، وزیر کار مرتجع و قانون کار پیشنهادی او بود. در این مبارزه سندیکاها و شوراهای کارگری نقش مهمی ایفا کردند، ولی دامنه مبارزه کارگران از حدود شکل‌های سندیکایی و شورایی موجود بسیار فراتر رفت. حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران و سازمان برادر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این مبارزه آشکارا نقش رهبری سیاسی را به عهده داشتند.

شکل اصلی مبارزه کارگران، تهیه طومار و جمع آوری امضا در مخالفت با پیش نویس قانون کار، ارتجاعی بود. شمار امضاهای جمع آوری شده به سرعت از مرز میلیون گذشت. کارگران درخواست می‌کردند در قانون کار از نظریات گرایش مرفقی در حاکمیت و به ویژه اصول مردمی قانون اساسی استفاده شود و نمایندگان کارگران در تدوین قانون کار مشارکت داشته باشند. افزون بر این، آنان می‌خواستند که مشارکت آنان در اداره واحدهای صنعتی و خدماتی از طریق شوراهای کار به رسمیت شناخته شود و این دستاورد ارجمند انقلاب تثبیت و تحکیم شود.

تنها مرصه‌ای از مبارزه بی‌فرنج طبقاتی که جناح ارتجاعی حاکمیت در آن ناگزیر از عقب نشینی جدی شد، همین جنبه تلاش برای به بند کشیدن دوباره طبقه کارگر بپاخواسته ایران بود. تحت فشار سازمان یافته کارگران، وزیر کار مرتجع ناگزیر از استعفا شد و قانون کارش از سوی دولت پس گرفته شد.

یکی از اهداف یورش به حزب توده ایران، محروم کردن کارگران ایران از نقش رهبری کننده و پیشاهنگ خویش و در هم شکستن دورنمای امید بخش انقلابی مبارزات

کارگران بود. اپرا جنبش کارگری ایران علی‌رغم این ضربات، همچنان نیرومند است. طبقه کارگر ایران در صاف با جریان برگشت انقلاب هنوز سخن آخر را نگفته. در بررسی سهم و نقش مبارزات طبقه کارگر ایران، در انقلاب بهمن، باید به ویژه‌ای به بررسی کارنامه فعالیت حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران و نه سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تأثیر عمومی آنها. تعمیق گرایش خلقی و ضد امپریالیستی گردان‌های مختلف جنبش انقلابی اخته یابد. این خدمات در جای خود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشروی ارتجاع و مقاومت کارگران

به دنبال شکست یورش پیشین ارتجاع و دستاورد‌های طبقه کارگر در انقلاب به سرمایه‌داران و نمایندگان سیاسی آنان، اینک از اشکال و شیوه‌های جدیدی به مقابله با کارگران استفاده می‌کنند.

حاکمیت از یک سو تلاش می‌کند با درهم کوبیدن پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگران، راه و آرمانهای پیشروترین کارگران ایران را بی‌اعتبار جلوه دهد، و از سوی دیگر با نقش و مخدوش کردن حق مشارکت کارگران در اداره واحدهای تولیدی خدمات، از به رسمیت شناختن این دستاورد‌های انقلابی خودداری می‌کند، و به تحت فشار گذاردن شوراهای کارگری مقاوم و مبارز به مسخ یا انحلال این شوراها به وسیله سرمایه‌داران یاری می‌رساند.

سال گذشته از ۳۰۰ شورای کارگری فعال در سراسر کشور، تنها ۸۰ شوی باقی مانده بود، از این تعداد نیز بسیاری در نتیجه مشکلات روز افزونی که سرمایه‌داران و دولت در راه فعالیت آنان فراهم می‌کنند، دچار انفعال شده بودند (اطلاعات ۱۴ مهر ۶۲).

اخراج و تصفیه گروهی کارگران مبارز از کارخانه‌ها که ابعاد عظیم داشته است یکی دیگر از شیوه‌های سرکوب‌کننده جنبش کارگری ایران است. از سوی دیگر، با تعمیق بحران اجتماعی - اقتصادی و تورم سرسام آوری که به طور عمده بر دوش کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران سنگینی می‌کند، آگاهی کارگران نسبت به مقاصد طبقاتی حاکمیت به تجربه عینی افزایش می‌یابد. کارگران بیش از پیش از جناح‌های مختلف حاکمیت روی گردان می‌شوند و به مبارزات اعتراضی و مطالباتی روی می‌آورند.

افزایش دستبند و احیا انقلابی شکل‌های سیندیکایی و شورایی برای مقابله به پیشروی ارتجاع و دفاع از دستاورد‌های انقلاب، خواست‌های اساسی کارگران است.

ناآرامی‌های اخیر و امتصایات و تحمیل‌های کارخانه‌های دختانیات و چیت تهران، شیشه‌سازی قزوین و سیمان تبریز، نخستین نمودارهای برآمده‌های نوین در جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران است.

قانونمندی عام و ویژگی‌های مبارزه طبقاتی در انقلاب بهمن

قانونمندی‌های عام مبارزه طبقاتی در انقلاب بهمن

تجربه انقلاب‌های رهایی بخش ملی در درون ما نشان می‌دهد که این انقلاب‌ها در جریان تعمیق و فرا رویی از انقلاب سیاسی ملی به انقلاب اجتماعی، مصلحت طبقاتی پارترتی پیدا می‌کنند. در این مرحله آگاهی طبقات گوناگون نسبت به منافع ویژه خویش، و نسبت به رفتار سیاسی نیروهای وابسته به طبقات دیگر و سازمان یافتگی بسیج مبارزاتی نیروهای طبقاتی مختلف افزایش می‌یابد، تضاد میان آنان تشدید می‌شود. سرشت مرحله دوم انقلاب که در جریان آن نیروهای اجتماعی گوناگونی رو در روی مسأله سمت‌گیری اجتماعی کشور قرار می‌گیرند، برانگیخته‌آگاهی و بروز منافع طبقاتی و در نتیجه تمایزات اجتماعی است. (انقلاب‌های رهایی بخش ملی - پروتئس ج ۲ - ص ۴۳).

در چنین شرایطی، به ویژه در جنبش‌هایی که در آنها به دلایل گوناگون نمایندگان سیاسی اقلار بینابینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت نبرد که بر سر که بر سر انتخاب سمت‌گیری اجتماعی - اقتصادی کشور دارند، اگر اتحاد نیروهای انقلابی پیگیر، از توانمندی کافی برای جذب اقلار بینابینی به راه غیرسرمایه‌داری کافی باشد، انقلاب ملی و دمکراتیک به پیروزی خواهد رسید، و گرنه با سلطه به بقیه در صفحه ۱۸

سیاست شاهنشاهی نجات موسسات ورشکسته امپریالیستی همچنان ادامه دارد

رسید که ۹۰ هزار دستگاه ، آن به مقصد ایران حمل شدند و تنها ۳۰ هزار دستگاه برای مصرف داخلی اختصاص یافت . " طبق گزارش ایمن شرکت انحصار تالیوت در نیمه اول سال ۱۹۸۳ ۱۵ میلیون لیره سود برده است . در حالیکه سال گذشته در همین ماه ۴۰۶ میلیون لیره ضرر داشته است . شواهد براین دلالت دارند که شرکت تالیوت در پایان سال جاری ، در مقایسه با ضرر ۵۴۸ میلیون لیره ای سال ۸۲ سود خالص خواهد داشت ."

روزنامه فاینانشال تایمز ، ناچی این شرکت ورشکسته انگلیسی را چنین معرفی می کند : " عامل عمده در تغییر وضع مالی شرکت تالیوت بهبود بازار ایران بوده است " و برای اینکه خیال حکام ج ۱۰ را از هیاهوی واهی "تولید داخلی" و "خود کفائی" و غیره نیز راحت کنند با اصطلاح تولیدات ایران ناسیونال (ایران خود رو) را بدون چون و چرا تولیدات شرکت تالیوت در انگلستان به حساب می آورد چرا که معتقد است "۸۵٪ بیک ماشین تمام شده در ایران را این شرکت می سازد (فاینانشال تایمز ۲۹ دسامبر ۱۹۸۳)

رژیم های ضد مردمی همواره مایه امید انحصار های غارتگر امپریالیستی اند که در بحران قزاینده سیستم روه زوال سرمایه داری به نابودی محکوم می شوند . بعد از تجربه موفق ایران ، اینک نوبت ضیاء الحق است که به نجات شرکت ورشکسته دیگری در انگلستان بشتابد . به موجب خبر روزنامه انگلیسی گاردین ۲۹ دسامبر ۱۹۸۳ اخیراً قرار دادی مابین گروه آستین رورور از شرکت بریتانیایی لیلاند و بخش خصوصی پاکستان منعقد شده است ."

روزنامه "مورنینگ استار" از قول رئیس شرکت مزبور می نویسد : " از اینکه دولت پاکستان به این امر مهر تأیید زده است بسیار خوشحالم و بسیار اشتیاق منتظر همکاری آستین رورور در پیشرفت صنایع اتومبیل سازی پاکستان هستم . چه شیوه ای جهت توسعه صنایع اتومبیل سازی پاکستان در نظر گرفته شده است ؟ بدیهی است به شیوه تالیوت در ایران !"

"مورنینگ استار" می نویسد : " در مراحل اولیه ماشینهای ساخته شده به پاکستان صادر می شوند ، پس از طی این مراحل مونتاژ آنها در کارخانهای که قرار است در لاهور پاکستان بنیاد گردد جایگزین آن می شود ."

در ضمن شهر وشعفا شرکت تالیوت از "بهبود بازار ایران" تنها در سال ۱۹۸۴ خلاصه نمی شود . فاینانشال تایمز می نویسد : " آقای جرج ترنبول ، رئیس شرکت تالیوت (انگلستان) معتقد است که دورنمای روشنی در امر داد و ستد با ایران در پنجمال آینده ، میند ."

سردمداران ج ۱۰ که هر دم از پیشرفت در امر بقیه در صفحه ۲۰

داشته است (فاینانشال تایمز ۸ سپتامبر ۱۹۸۳) روزنامه فاینانشال تایمز ، ارگان انحصارات مالی انگلستان در شماره ۲۹ دسامبر ۱۹۸۳ طی یک خبر اقتصادی زیر عنوان "صادرات ماشینهای مونتاژ نشده از طرف شرکت تالیوت به ایران برای سال ۱۹۸۴ تأمین شده است" قرار داد جدید این شرکت با ایران را "بزرگترین قرار داد صادرات اتومبیل بریتانیا" نامیده است . به موجب این قرار داد تالیوت در سال ۱۹۸۴ ، یکصد و بیست هزار ماشین مونتاژ نشده به ارزش ۱۰۵۰ میلیون لیره استرلینگ به ایران صادر خواهد کرد . روند تشدید این بخش از وابستگی اقتصادی مشخصاً از سال ۱۹۸۲ شتاب می گیرد . طبق نوشته این روزنامه ، در سال ۱۹۸۲ تنها ۲۷ هزار ماشین جهت مونتاژ برای ایران حمل شده که به نوبه خود ، نسبت به سال ماقبل که "مشکلات مالی از جانب ایران باعث رکود صادرات شده بود تاثیر جدی در تولید شرکت تالیوت در انگلستان داشت . اما در سال ۱۹۸۳ به یکباره رقم صادرات به ۱۰۰ هزار افزایش یافت . به نوشته روزنامه

فاینانشال تایمز تولیدات شرکت تالیوت که در سال ۱۹۸۲ از ۱۷۵۰۰ دستگاه به ۶۲۰۰ دستگاه کاهش یافته بود . در سال ۱۹۸۳ میزان تولیداتش در انگلستان به ۱۲۰۰۰ دستگاه

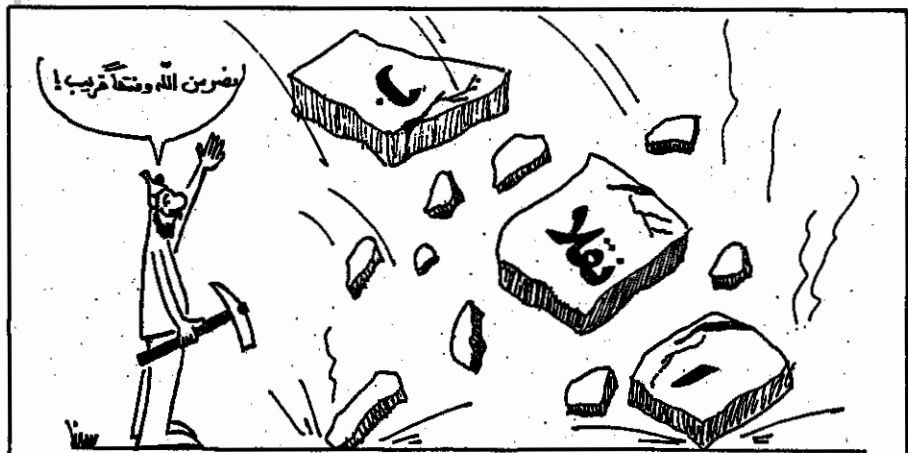
حکام ج ۱۰ با در پیش گرفتن راه سرمایه داری و میدان دادن به سرمایه داران بزرگ و کلان زمینداران ، راه انقلابی را که می رفت از انقلاب سیاسی ، به انقلاب اجتماعی فرا رود ، سد کردند تا میهن ما را به عرصه تاخت و تاز و فساد افکار گسیخته امپریالیستها بدل سازند ."

یکی از انحصارات امپریالیستی که در سایه سیاستهای رژیم کنونی روز به روز سهم بیشتری از غارت و استثمار کارگران و زحمتکشان ایران کسب می کند ، شرکت ماشین سازی تالیوت انگلستان است که اگر سیاستهای خائنانه رژیم شاه نبود مدت ها پیش از انقلاب به علل مشکلات مالی ورشکسته شده و از صفحه حیات اقتصادی محو شده بود ."

ولی نجات شرکت های امپریالیستی وظیفه ای بود که به عهده محمد رضا پهلوی محول شد و او نیز از پول غارت نفت آن را به نحو احسن انجام داد ."

اینکه این وظیفه به عهده حاکمان ج ۱۰ گذاشته شده و شواهد و قرائن نشان می دهند که این کار حتی بهتر از زمان شاه نیز صورت می گیرد ."

طبق اخبار منتشره ، شرکت تالیوت از بیش از ۵ سال قبل از انقلاب همواره متحمل ضرر می شده است و تنها طی سال گذشته ، صرفاً به خاطر افزایش صدور ماشین های مونتاژ نشده و قطعات یدکی به ایران ، بعد از ده سال بالاخره منفعت



تحولات طبقاتی در جامعه...

بقیه از صفحه ۱۶

گرایش نیروهای بورژوا - ملامک و انتخاب راه سرمایه داری ، چنین انقلابی مستط ۹ جاده برای پیروزی قطعی امپریالیسم و ارتجاع صاف می شود .

این قانونمندی عام انقلاب های ملی و دمکراتیک دوران ما ، در انقلاب بهمن نیز ، علی رغم بخرنجی و چندجانبگی مسایل گوناگون مبارزه طبقاتی ، به صراحت جاری بود . این واقعیت هنگامی آشکارتر می شود که به ویژگی های انقلاب بهمن ، کسه قانونمندی های عام از خلال آنها رخ می نمود ، توجه دقیق تر داشته باشیم .

ویژگی های مبارزه طبقاتی در انقلاب بهمن

انقلاب ملی و دمکراتیک بهمن ، از دو ویژگی اساسی کم و بیش به هم پیوسته برخوردار بود . این ویژگی ها سرچشمه اصلی بخرنجی ، به هم آمیختگی ، چندلایگی و چندجانبگی مسایل گوناگون انقلاب در سطوح طبقاتی و تشکیلاتی و سیاسی است . تحلیل علمی مسایل انقلاب ایران ، به انگای قانونمندی های عام انقلابهای ملی و دمکراتیک در دوران ما ، نیازمند توجه دقیق به این ویژگیهاست . هر گونه کم توجهی به بخرنجی های ناشی از این ویژگی های مشخص ، هر تحلیلی از مسایل انقلاب را ، از محتوای علمی و واقعی تهی خواهد کرد .

در این زمینه برخورد خلاق تئوریک و سیاسی حزب توده ، ایران که در اسناد و ادبیات حزبی منعکس است ، می بایست انگوی راهنمای هر تحلیلی از مسایل انقلاب ایران باشد .

ویژگی نخست ، کمخصلت نیرومند توده های انقلاب بهمن : انقلاب های رهایی بخش بسیاری را در دوران ما نمی توان مثال زد که از این نظر با انقلاب بهمن قسابل مقایسه باشند . نیروی عظیم توده های میلیونی ، ضعف رهبری سیاسی جنبش را تا حد و زیادی جبران می کرد . و به رهبری اجازه می داد که کم و بیش پیشاپیش مسردم حرکت کند .

نکته مهم اینست که توده های میلیونی با حداقل سازمان یافتگی طبقاتی و سیاسی ممکن در انقلاب شرکت کردند . جنبش توده های در انقلاب بهمن به طور عمده بسه صورت خود به خودی گسترش پیدا کرد . سرعت گسترش و پیروزی انقلاب ضد انقلاب را غافلگیری کرد و توان سازماندهی نیروهای انقلابی از شتاب روی آوردن توده های میلیونی زحمتکشان به انقلاب مقب می ماند .

در این میان حزب توده ، ایران که در ماههای تدارک قیام بهمن ، به ویژه در

جریان بردن شعار اعتصاب عمومی و سراسری و تدارک قیام مملحانه خلق به میان توده ها نقش کیفی و رهبری کننده سیاسی بسیار ارزشمندی ایفا کرده بود - کسه به ویژه در شرایط افراطی گری ده ساله سازمان های دمکراتیک انقلابی ، چپ و ترولزل و تمایل نمایندگان سیاسی انتشار بینابینی به سازش با امپریالیسم و ارتجاع اهمیت

تاریخی داشت - در شتاب فزاینده رشد انقلاب از فرصت کافی برای تعمیم وسیع این نقش کیفی و رهبری کننده سیاسی به عرصه تشکیلاتی برخوردار نشد . از اینرو خود به خود نهاد های اجتماعی و صنفی خودجوش و به یوه نهاد های مذهبی که از دیرباز عملکرد سیاسی نیز داشته اند ، به ارگانهای صده تشکل توده ها بدل شدند ، و مساجد که گسترده ترین سازمان اجتماعی موجود بودند ، صده ترین واحد های تشکیلاتی انقلاب را ساختند .

پس از انقلاب نیز ، به دلایل گوناگون و به طور عمده به خاطر سیاست "تشکل ستیزی" حاکمیت ج ۱۰ - در تمام قشر بندی های آن ، که از تشکل طبقاتی - سیاسی مستقل زحمتکشان هراس داشت و فشار امپریالیسم و ارتجاع ، سازمان یافتگی توده ها به طور عمده در سطوح خود به خودی و مذهبی و صنفی محدود ماند . این محدودیت مانع از آن نمی شده که نظریات برنامه های طبقات و انتشار مختلف ، اگرچه در بسیاری موارد از دهلیز سو در تری مناقشات ظلیط فقهی می گذشت ، با مرز بندی مشخص وجه بسا قاطع ، در توده های تری و وسیع ترین عرصه ها ، در مساجد ، نماز های جمعه و جماعت ، در شورا های کارخانه و ادارات ، در اطاق بازگانی و صنایع ، مجلس شورا و شورای نگهبان ، و در مطبوعات طرح نشود . طی سالیان گسترش و پیشرفت انقلاب ، به ویژه در دوران کنده حرکت انقلاب در سال های ۶۰ و ۶۱ ، مبارزه طبقاتی تمام عیار و فراگیری با حدت تمام در این سازمانها در گیر بود .

با وجود این ، تشکل های توده ای که علی رغم بدویت و مخود به خودی بودن و ضعف رهبری سیاسی ، می توانستند در مراحل ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی انقلاب

کار آبی نسبی داشته باشند ، و پیشرفت عمومی انقلاب را به سود توده ها سازماندهی دهند ، در مرحله انقلاب اجتماعی و در مقابله با گرایش بورژوا - ملامک حاکمیت بسیار نارما شدند .

تا هنگامی که رهبری ، در مراحل ضد استبدادی و ضد امپریالیستی در راستای زرفش و گسترش انقلاب حرکت می کرد ، نیروی شگرف توده ها ، چاره ساز کاستی ها ، ناشی از سطح بدوی سازمان یافتگی توده ها بود . اما هنگامی که در مرحله انقلاب اجتماعی رهبری از پیشروی باز مانده ، ضعف سازمان یافتگی توده ها ، آنان را در پیشرفت بی وقفه باز داشت . بدین ترتیب انقلاب ، علی رغم شرکت فرا گیر توده ها ، به خاطر عدم تشکل پیگیر طبقاتی - سیاسی آنان دچار ضعف شدید شد ، و در فترا انقلاب اجتماعی از نفس افتاد .

ضد انقلاب و لیبرالها ، اغلب این ویژگی انقلاب - ضعف سازمان یافتگی و آگاهی طبقاتی مردم را - برجسته می کنند و به استناد آن مجموعه این انقلاب عظیم و گسترش زرفش قانونمندی آن را نیز شعبیده جناح هایی از امپریالیسم جهانی می دانند . "آخوندها" جلوه می دهند . گرایش ناگاهانه به میانخه در این ویژگی که به همین نتیجه گیری تحریف آمیز ، می انجامد ، در تحلیل های بسیاری از روشنفکران ملی و دمکرات و گروه های "چپ رو" و "چپ نما نیز مشاهده می شود .

ویژگی دوم ، نقش برجسته روحانیت شیعه در رهبری انقلاب بود . در حالی که نقش جهان بینی و آید تئورزی نیمه مذهبی - نیمه عرفی و مذهبی در بسیاری از جنبش های رهایی بخش دوران ما ، و به ویژه در کشورهای اسلامی ، امری عادی است و قانونمندی های آن شناخته شده است ، تسلط گسترده و سازمان یافته روحانیت شیعه بر رهبری جنبش ، ویژگی برجسته انقلاب ایران است که معلول شرایط خاصه تکامل اخیر جنبش رهایی بخش ایران ، به ویژه در ربع قرن فاصله میان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بهمن ۱۳۵۷ است .

در این ربع قرن ، حزب توده ، ایران زیر سرکوب دائم و ددمشانه استبداد و وابسته به امپریالیسم قرار داشت ؛ و بهترین رهبران در زندان و در تبعید گرفتار بودند و

دایره تماس فعالش با توده ها محدود شده بود . افزون بر این جو نامساعد سیاسی ناشی از عوامل گوناگون (مجموعه اسناد پنجم هفدهم - صفحات ۹۰-۸۸) محدودیت های فراوانی برای فعالیت حزب توده ، ایران فراهم می آورد .

سازمان های دمکراتیک انقلابی نیز در نتیجه این سرکوب و در پیامد سیاست های فرقه گرایانه ای که طی سالیان دراز بر آنها حکمفرما بود ، از پایگاه محدودی در میان زحمتکشان برخوردار بودند .

سازمانهای سیاسی سرمایه داری لیبرال حضور تشکیلاتی نداشتند و اعتبار سیاسی اکثر رهبران آنها به دنبال سازش یا رژیم شاه مخدوش شده بود .

تنها سازمان اجتماعی که در گسترده ترین سطوح با توده های مردم تماس داشت و از دیرباز عملکرد سیاسی نیز داشت ، سازمان سنتی روحانیت بود . رژیم شاه که فعالیت اکثریت سازشکار و راستگرای رهبران روحانیت شیعه را به سود خود می دید ، به آنکه مانع اساسی در راه فعالیت کم و بیش آراء ، روحانیو ، و روشنفکران مذهبی ایجاد کند ، می کوشید با تبعید و زندانی کردن روحانیون مبارز عملکرد ضد انقلابی و سازشکارانه و آرام بخش مجموعه سازمان روحانیت را تقویت کند .

ماه های اوج گیری جنبش انقلابی ، بهرمان آیت الله خمینی ، با همکاری نزدیک لیبرالها و با استفاده از امکانات گسترده سازمان سنتی روحانیت ، در صل پر شمار - ترین سازماندهندگان و رهبران جنبش ضد دیکتاتوری بودند . آنان از

خواست ها و نظریات مجموعه جنبش پشتیبانی می کردند و در افتخارات و اعتبار سیاسی همه گرد آنها و شخصیت های انقلابی ، از سازمان مجاهدین خلق و کترشرحی و بیت الله فقیه طالقانی و دکتر صدق تا حزب توده ، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران سهیم می شدند . اتحاد صل جبهه ضد دیکتاتوری ، نقش رهبری کننده آنان را بسا شیوه ای کم و بیش دمکراتیک و طبیعی تحکیم می کرد .

یکی از مهم ترین جوانب این ویژگی انقلاب آن بود که روحانیت حاکم - از جناح ضد امپریالیست و مردمی تا جناح ارتجاعی ، که در شرایطی استثنایی رهبری این جنبش خلقی نیرومند را به عهده گرفته بود ، حتی در بحرانی ترین و حساس ترین لحظات تاریخ انقلاب ، از هیچ فرصتی و از هیچ تدارک توطئه آمیزی برای جاودانی کسردن حاکمیت خویش فرو گذار نمی کرد .

نمود های نگران کننده این گرایش انحصار طلبانه ، در لحظات تاریخی بسیار حساس آخرین هفته ها و روزهای عمر رژیم شاه ، بسیار چشمگیر بودند . حزب توده ، ایران از همان روزهای بهمن ۱۳۵۷ ، مبارزه اصولی با این گرایش را آغاز کرد .

" متأسفانه کوشش برخی از مبارزان که زیر پرچم جهان بینی اسلامی ، در نبرد ملی و دمکراتیک خلق شرکت می کنند ، در این جهت شدت یافته که از ابزار عقیده و نظر و اقدام دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک جلوگیری می کنند حزب توده ، بقیه در صفحه ۱۹

تحولات طبقاتی در جامعه...

بقیه از صفحه ۱۸

ایران با احساس مسئولیت تاریخی، همه گروه‌های مبارز و به ویژه رهبران با نفوذ جنبش را، به لزوم تحکیم میانی اتحاد ۰۰۰ فرا می‌خواند (اعلامیه هیأت اجرایی حزب توده، ایران - ۳ بهمن ۵۷ - اسناد و ولایمیها - ص ۲۷) .

اما علی‌رغم تلاشهای حزب ما، گرایش انحصار طلبانه به تثبیت موقعیت انحصاری روحانیت حاکم، هم چنان نقش ارتجاعی خود را ایفا کرد . نهاد های استبدادی " ولایت فقیه " و " شورای نگهبان " می‌بایست به این هدف خدمت می‌کردند . این گرایش انحصار طلبانه نیز، همانند دیگر گرایشهای ارتجاعی در نظرات نیروهای رهبری کننده انقلاب، به قدرت گرفتن نیروهای ارتجاعی یاری فراوان رساند . " چپ روها "، روشنفکران ملی و دموکرات و لیبرالها، که همواره گرایش های ارتجاعی نیروهای حاکم را پرجسته و مطلق کرده‌اند، این عنصر ذهنی، گرایش روحانیت شیعه به ابدی کردن حاکمیت خویش را، محور تحلیل تاریخ انقلاب قرار می‌دهند . آنان ویژگی انقلاب را قانونمندی عام آن جلوه می‌دهند و انبوه واقعیات عینی و قانونمند این انقلاب رهایی بخش را در سایه قرار می‌دهند .

بدون شك، ویژگی های انقلاب بهمن، یا به عبارت دیگر نقاط ضعف ویژه این انقلاب شکوهمند مردمی و ملی، در تقویت گرایش بورژوا - ملاک در حاکمیت، و تسریع روند تسلط آنان بر انقلاب مردم، سهم مهمی داشته است. اما اگر در پرجسته کردن این ویژگی‌ها از واقع بینی علمی و انقلابی به دور افتیم، به نتایج از اساس نادرستی خواهیم رسید . برای نمونه اگر وجود گرایش ارتجاعی به حفظ یکپارچگی صنفی و جوادانی کردن سلطه استبدادی خویش، در جناح های مختلف روحانیت حاکم را محور تحلیل تاریخ انقلاب قرار دهیم، خود به خود به این نتیجه خواهیم رسید که روز بروز انقلاب، همانا روز شکست انقلاب نیز بود . چرا که از همان روز های درگیری جانپنازانه و حماسی مردم و نیروهای انقلابی با نیروهای مسلح رژیم شاه، گرایش های ارتجاعی، و تدارکات توطئه آمیز " صنف روحانیت " برای تسلط بی‌رقیب و بی‌چون و چرا بر انقلاب مردم نیز اوج گرفت .

برخورد علمی و اصولی حزب توده، ایران با این مسأله مهم سیاسی و استبداد شناسی، به درستی نشان داده است، که در تحلیل پدیده های شگرف اجتماعی از طراز انقلاب مردمی بهمن، نه این یا آن ویژگی و گرایش ذهنی در جناح های مختلف حاکمیت، بلکه گرایش تعیین کننده طبقاتی مجموعه نیروهای انقلابی از جمله نیروهای حاکم، و تاثیر عینی و عملی برآیند آنها بر روند گسترش و زرفش انقلاب، می‌بایست محور تحلیل تاریخ انقلاب قرار گیرد . واقعیت های خدشه ناپذیر بیانگر آنند که موضعگیری های اصلی و همپای های مترقی جناح مدافع " عدالت اسلامی " در حاکمیت ج ۱۰۰ با پیشرفت عینی انقلاب را جز به استناد گرایشهای طبقاتی آنان نمی‌توان توضیح داد . گرایش ارتجاعی به حفظ منافع یکپارچه " صنف روحانی "، و تحلیل نقش استبدادی سازمان سستی روحانیت به انقلاب مردم، تنها هنگی می‌توانست نقش تعیین کننده

ایفا کند، که با نیروی سازمان یافته کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان ترکیب و متحد شود .

کوشش نیروهای انقلابی و پیشاپیش آنها حزب توده، ایران، برای جلوگیری از شکل گیری این اتحاد دشمن و ارتجاعی، مقابله مردمی و اصولی با آن و نجات انقلاب، از راه بسیج و سازماندهی و اتحاد همه نیروهای مترقی و مردمی، از جمله نیروهای مترقی در درون حاکمیت، بازتاب و افروزی آنان به آرمانهای خلق، و مارکسیسم - لنینیسم خلق، و شایان تقدیر و پندآموزی انقلابی است .

واقعیات شهادت می‌دهند که رویدادهای گرمی تاریخ انقلاب، از جمله چرخش به راست نهائی در بهمن ۶۱، در آخرین تحلیل بازتاب تناسب و تعادلی بود که در جریان مبارزه طبقاتی همگیر، میان نیروهای طبقات کوناگون برقرار می‌شد .

مبارزه طبقاتی بارها و بارها در صفوف صنف ناهمگون روحانی (ر.ک. اسناد پلنوم هجدهم - ص ۷) شکاف انداخت در جریان درگیری جناح های مختلف روحانیت حاکم، در مراحلی حتی نمونه های امیدوارکننده ای از رنگ باختن گرایش های انحصار طلبانه در میان روحانیون مدافع عدالت اسلامی شکل گرفت که به جای خویش مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در جریان زرفش انقلاب تا آستانه انقلاب اجتماعی، جناح های مختلف پیروان آیت الله خمینی بر سر هرگامی که انقلاب می‌بایست در عرصه های قانونگذاری و اجرایی بردارد یا بند بگر گلایزی می‌شدند . سرپای حاکمیت و پیروان آن و بخش های وسیعی از سازمانهای توده ای و مذهبی، میدان گیتسده این نبرد سرنوشت ساز " که برک " بود . درگیری آنچنان حادث بود که حفظ یکپارچگی روحانیت در جریان چرخش به راست بهمن ۶۱، جز با یورش دد منشا نه به حیزب توده، ایران، که در عین حال به صورت تهدیدی رب انگیز برای جناح ضدانفع " عدالت اسلامی " درآمد و جز با تصمیماتی از قبیل سلب حق قانونگذاری از مجلس که به تغییر تناسب نیروها در حاکمیت انجامید، امکان پذیر نشد .

این واقعت که توان نیروهای انقلابی همگیر، به طور عمده در نتیجه اختلاف نظر های سیاسی و تاکتیکی و تفرقه در صفوف این نیروها، در حدی نبود که در این مرحله از گسترش انقلاب، بر سرنوشت مبارزه در درون حاکمیت تاثیر تعیین کننده بگذارد، ناقص قانونمندی عام مبارزه طبقاتی، و صحت شی حزب توده، ایران نیست. علی رغم همه تشبیهات نیروهای ارتجاعی، و تخطیهای نارقیفانه چپ روهای خرد و کلان، دستاوردهای تأیید شده تئوریک و سیاسی حزب توده، ایران در برخورد با انقلاب ماورا، بفرنج بهمن، به صورت صفحات درخشان در سنامه های انقلابی برای همه انقلابیون ایران و جهان به یادگار خواهد ماند .

امروز نیز علی‌رغم اقتدار و فشار رهبری روحانی برای حفظ یکپارچگی طرفداران خویش و ابدی کردن حاکمیت خود، چنانکه حزب توده، ایران آموخته و می‌آموزد، در تحلیل نهایی، قانونمندی های عام مبارزه طبقاتی، و نه این یا آن ویژگی انقلاب، سرنوشت اجتماعی و سیاسی انقلاب و توده پیروان آیت الله خمینی را تعیین می‌کند .

روی گردانی روز افزون مسلمانان مبارز و انقلابی که در شهر و روستا به آرمانهای انقلاب وفادارند (اسناد پلنوم هجدهم - همانجا - ص ۷) از جناح های مختلف حاکمیت، بیانگر آنست که شکافی که با تهدید و ارتباط " از بالا " ترمیم می‌شود، " از پایین "، میان توده ها و حاکمیت دهان می‌گشاید، و به گردهم آیی دو پساوه زحمتکشان، زیر پرچم وفاداری به آرمانهای انقلاب شکوهمند بهمن، در چینه متحد خلق می‌انجامد .

حکم اعدام...

بقیه از صفحه ۵

مسائل را مورد بررسی قرار دهد . سپس شورا، مواردی از دستورالعمل ارسالی را که قبلا جهت محاکمه افراد حزب ۰۰۰ تدوین شده بود، مورد بررسی قرار داد و مقرر کرد تا این دستورالعمل ارسالی به کلیه دادگاه های انقلاب سراسر کشور ابلاغ شود (رادیو ایران - ۱۱ بهمن) .

در واقع آقای موسوی اردبیلی و همسر طراز نشان که به جای حفظ و حراست از قانون و نظارت بر اجرای صحیح آن، خود به ناقضان اصلی قانون بدل شده اند، برای یافتن محلی که به هر صورت توده ای های در بند را محاکمه و محکوم کند، به این راه حل - تنظیم دستورالعمل و ابلاغ آن به دادگاه های انقلاب سراسر کشور - متوسل شده اند . زیرا اتهامات وارده بر اعضا و فعالین

حزب توده، ایران، بر اساس قوانین مدون و جاری کیفری کشور، مطلق " جرم " محسوب نمی‌شود . این منطق سفاکان تاریخ است : هنگی که قادر نیستند، خدمت به مردم و انقلاب را در چار - چوب قوانین تدوین شده " جرم " بنامند، پنهانی به صدور بخشنامه های محرمانه و " دستورالعملی های ارسالی " توسل می‌جویند و واقعا چگونه می‌توان هزاران نفر را به " جرم " دفاع از انقلاب، متشکل کردن کارگران برای مقابله با توطئه های ضد انقلاب و امپریالیسم و بالا بردن سطح تولید و احقاق حقوق خود، ساختن حمام و مدرسه و راه برای روستائیان، شرکت در چینه و پشت جبهه، کمک در امر تشکیل تعاونی های کارگری و محلی ۰۰۰ برای حذف واسطه ها و دلان و کورکردن راه های احتکار و گرانفروشی، پاکسازی شهر و محله و ده، گرد آوردن جوانان در تیمهای ورزشی و ۰۰۰ متشکل ساختن زنان و صد ها فعالیت سازنده و عمرانی دیگر به پای میز

محاکمه کشید و محکوم کرد؟! این اقدامات خائنه تنها از کسانی برمی آید که پشت به مردم، به استقبال امپریالیسم می شتابند و داغ درفش و شلاق و شکنجه های جسمی و روحی برای گرفتن به اصطلاح اقرار و برپاشی پیدادگاه های نظامی در بسته و صدور احکام ضد قانونی اعدام و تیرباران مدافعان انقلاب و مردم را، تنها نقطه امید برای نجات خود و پیشبرد مقاصد و اهداف خیانت بار خود می‌شمارند و تمامی آنها را موبه موبه مرحله اجرا درمی آورند . محکوم کنندگان شقی خایان مردم، افسران بهمن دست و توده ای های در بند که با " احکام " جا برانه خود زندگی ۱۳ تن از آزادی خواهان و با " دستورالعمل های ارسالی " خونکش هستی و سرنوشت بیش از ۸۵۰۰ تن از اعضا و فعالین حزب توده، ایران را به بازی گرفته اند، خود محکوم تمامی نیروهای مترقی و دگر تیک سراسر جهان و تاریخ اند .



مبارزه میهن پرستان لبنان اوج می گیرد

اکنون دیگر آشکار شده است که رژیم دست-نشانده غرب امپریالیستی و اسرائیل در لبنان، بدون دخالت مستقیم نظامی ارتش آمریکا و هندست اسرائیلیش نمی تواند پیا برجا بماند. بدین جهت در نبرد هایی که این روزها در اطراف بیروت و برخی مناطق آن، میان میهن پرستان لبنان و ارتش رئیس جمهور و فالاتیست ها در گرفت، تنگداران دریائی آمریکا نیز مستقیماً شرکت داشتند. بر اثر گوله باران و بمباران برخی از محلات بیروت و روستاهای نزدیک آن توسط نیرو های نظامی آمریکا، عده های کشته و زخمی شده اند. با این وجود مبارزه میهن پرستان لبنان، روز به روز گسترده تر می شود. اکنون همه مردم لبنان دشمن اصلی خود، امپریالیسم آمریکا را شناخته اند و یک دل و یک زبان به پیکار علیه آن بر می خیزند. خبرگزاری ها خبر دادند که در لبنان کمیته ای مرکب از بستگان و خویشان کسانی که به دست پیاده نظام دریائی آمریکا و یا بر اثر گوله باران و بمباران کشتی ها و هواپیما های آمریکائی کشته شده اند تشکیل شده است. سازمان دهندگان این کمیته، اعلامیه هایی پخش می کنند که در آنها خروج فوری پیاده نظام دریائی آمریکا از سرزمین لبنان خواسته شده است. در یکی از اعلامیه ها گفته می شود: ما به نام تمام قربانیان راهزنان آمریکائی، اعلام می کنیم که سرایان آمریکائی با هدف استقرار صلح به کشور ما نیامده اند، بلکه هدفشان قتل میهن پرستان لبنان است. آنان باید بلافاصله خاک میهن ما را ترک کنند.

در عین حال پیکار علیه اشغالگران اسرائیلی در مناطق جنوبی لبنان همچنان ادامه دارد و علی رغم مجازات های جنایتکارانه و خشونت آمیز اشغالگران، رزمندگان لبنانی پیوسته ضربات مؤثری بر دشمن وارد می آورند.

ناخشنودی در ارتش پاکستان

ماه گذشته گروهی از افسران ارتش پاکستان، کوشیدند با یک کودتای نظامی ژنرال ضیا الحق را سرنگون کنند. روزنامه " ایندین اکسپرس " چاپ هندوستان که این خبر را منتشر کرده است به اخبار منتشره در هفته نامه " شرق " به زبان اردو - چاپ لندن اشاره می کند که توسط منابع دیپلماتیک و رهبران حزب خلقی پاکستان تأیید گردیده است.

حدود پنجاه تن از سرهنگان و سرگردان نیروی هوایی پاکستان این کودتا را سازمان داده بودند. این کودتا در آخرین لحظات توسط افسران وفادار به ضیا الحق عقیم مانده است. این نیروهای وفادار به دولت، افسران را در یک سریاخانه - در لاهور - محاصره کرده اند و بر اثر تیراندازی مقابل چند نفر به قتل رسیده اند. سرنوشت ده ها تن از افسران دستگیر شده معلوم نیست.

این دو میهن کوشش برای کودتا علیه ضیا - الحق از هنگام به حکومت رسیدن او است. کوشش قبلی در مارس سال ۱۹۸۰ انجام گرفت.

" ایندین اکسپرس " می افزاید که تلاش تازه برای کودتا حاکی از وجود ناخشنودی شدید در ارتش پاکستان و به خصوص در میان افسران و در رجات پائین، از سیاست رئیس جمهور و اطرافیان او است.

هندوچین

ویتنام، لاوس و کامپوچیا در نظر دارند برنامه های رشد اقتصادی، فرهنگی و علمی - فنی دراز و کوتاه مدت خود را هماهنگ سازند. این سه کشور سوسیالیستی در نظر دارند همکاری های خود را به ویژه در رشته های تولید مواد غذایی و تولیدات کشاورزی، انرژی و ماهیگیری، در رشته های ساختمان و حمل و نقل، طبق برنامه تقویت کنند. ویتنام، لاوس و کامپوچیا در نظر دارند با این اقدام مشترک خود، پیش شرطهای استفاده هر چه مؤثر تر از منابع و بنیاد های مادی - فنی سه کشور را فراهم سازند.

امپریالیسم آمریکا برای

بقیه از صفحه ۲
هشدار داد که بار دیگر به لبنان حمله خواهد شد. این روزنامه نوشت: " ادعای آمریکا مبنی بر آماده باش در مقابل حمله هواپیما های انتحاری، پنهان برای سر عملیات به ظاهر تدافعی آمریکا خواهد بود. این امر نشانگر قصد رژیم صهیونیستی و آمریکا برای بحرانی تر کردن اوضاع لبنان و سوء استفاده از آن در جهت اجرای عملیات گسترده علیه نیروهای سوسیالیست و مواضع جبهه نجات ملی لبنان است. " در کنار این اقدامات مسلح کردن رژیم جعلی از سوی امپریالیسم آمریکا و تشکیل ارتش اردنی برای مداخله در امور " بحرانی خلیج فارس و منطقه را که به دستور واشنگتن پی وجود آمده است، نباید از یاد برد. " در چهار چوب این اقدامات گسترده امپریالیسم آمریکا، جنگ ایران و عراق نیز حلقه دیگری برای پیشبرد این وضع بحرانی به سود ایالات متحده آمریکا است. رهبران ج.ا.ا با اصرار بر ادامه جنگ، به امپریالیسم آمریکا کمک می کنند که حضور نظامی خویش را در منطقه تقویت کند. مواضع استراتژیک محکم تری در این منطقه به دست آورد و سود های سرشاری از طریق فروش ابزار و ادوات جنگی به جیب زند.

**کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در
برلین**

**هزینه جاب این شماره "راه توده" را
تأمین کردند**

افسون ۱۰۰
رفیق ۱۸۱۸ ۱۰۰
مارک

RAHE TUDEH
No. 79
riday, 10. Feb 84

Winfried Schwarz
Address: **Markgrafenstr. 13**
6000 Frankfurt 90

Prices:

England	30	P.
Vest-Germany	Belgium 22	Fr.
1	Italy 600	L.
3	DM U.S.A. 50	Cts.
Francia	Fr. U.S.A. 50	Cts.
Austria	Sch. Sweden 3	Skr.

سیاست شاهنشاهی نجات موسسات ورشکسته

بقیه از صفحه ۱۷
" خودکفائی " سخن می رانند با ابراز اطمینان که خود مبنی بر وجود " ثبات اقتصادی " در کشور یاد کارگزاران رژیم شاه را که وجود کارگران رزاق و کاردان " و گنجینه های از منابع طبیعی و موقعیت جغرافیائی سود مند و قدرت تحرک نفت را بیسه سرمایه جهانی وعده می دادند، در خاطر روسای شرکت هایی همچون تالیوت زنده می کند. " مقامات ج.ا.ا اینک برای اثبات بقای سیاست اقتصادی شاهنشاهی در ایران و دادن اطمینان به سرمایه های امپریالیستی کارگران و زمینداران میهن ما را به تحمل فقر و تنگدستی محکوم می کنند.

و هر گونه صدای اعتراضی را با شیوه های سرکوب شاهنشاهی پاسخ می دهند، در حالیکه کیسه های گشاد شرکت های غارتگری چون تالیوت و ولوو و نیسان و صدها موسسه دیگر امپریالیستی و درکنار آنها چپا و لگران داخلی همچنان بر می شوند. در چارچوب این تدارک خائنه برای فروش مجدد میهن ما به امپریالیسم است که بهترین فرزندان مردم ما را که هستی خود را وقف قطع واقعی سلطه اجانب کرده و می کنند با اتهامات بیشرمانه در پیشگاه امپریالیسم قربانی می کنند.